

طراحی مدل کارکرد اطلاع‌گرایی مضاعف^۱: جستجوی افراطی اطلاعات در عصر دیجیتال

سمانه رحیمیان

دکتری مدیریت اطلاعات و دانش

دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

محمد حسن زاده*

دکتری مدیریت اطلاعات و دانش

استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳ | پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۰۸ | مقاله برای اصلاح به مدت ۶۴ روز نزد پدیدآوران بوده است.

چکیده:

مقدمه: اطلاع‌گرایی مضاعف به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد به صورت وسواس گونه و افراطی به جست‌وجوی مستمر اطلاعات می‌پردازد، حتی زمانی که اطلاعات موجود ناکافی، ابهام‌زا یا زیان‌بار است. پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل کارکرد اطلاع‌گرایی مضاعف و تبیین ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن انجام شد.

روش‌شناسی: این پژوهش با رویکرد کیفی و روش اکتشافی متوالی در سه مرحله مستقل انجام شد. در مرحله نخست، فراترکیب نظام‌مند ۵۰ نظریه بنیادین مرتبط با «اطلاعات ابهام‌زا» با استفاده از راهنمای PRISMA و کدگذاری ترکیبی در نرم‌افزار MAXQDA انجام گرفت. در مرحله دوم، ۶۵ مقاله علمی مرتبط با «اختلال اطلاعاتی» در بازه زمانی ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ به صورت هدفمند و بر اساس چارچوب فرستنده-پیام-کانال-گیرنده مرور نظام‌مند شدند. در مرحله سوم، مصاحبه‌های نیمه-ساختاریافته عمیق با ۲۴ دانشجوی تحصیلات تکمیلی که با روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شده بودند، انجام شد.

نشریه علمی (رتبه بین‌المللی)
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
شاپا (چاپی) ۸۲۲۳-۲۲۵۱
شاپا (الکترونیکی) ۸۲۳۱-۲۲۵۱
نمایه در SCOPUS، LISTA و ISC
http://jipm.irandoc.ac.ir
دوره XX | شماره X | صص XX-XX
۱۳XX X

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(رحیمی‌ان، حسن‌زاده، محمد، زودآیند)

در فهرست منابع:

رحیمی‌ان، سمانه، حسن‌زاده، محمد، زودآیند.
طراحی مدل کارکرد اطلاع‌گرایی مضاعف:
جستجوی افراطی اطلاعات در عصر دیجیتال.
پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات.

http://jipm.irandoc.ac.ir (دسترسی در

روز/ماه/سال)

^۱ واژه "مضاعف" صرفاً معنای کمی «دو برابر شدن» را ندارد، بلکه در کاربرد اصطلاح‌شناختی، تأکید بر تشدید و گسترش گرایش رفتار اطلاع‌جویی به کار رفته است. اگرچه در معنای لغوی، "مضاعف" با مفاهیمی چون «دوچند» و «دوچندان» ارتباط دارد (دهخدا، بی تا، ذیل مدخل "مضاعف")، اما کاربرد آن در اصطلاح «اطلاع‌گرایی مضاعف» ناظر بر ماهیت افراطی، تکرارشونده و خودتقویت‌شونده رفتار اطلاع‌جویی است، رفتاری که از نیازهای عقلانی و متعارف کاربر در جست‌وجوی اطلاعات فراتر می‌رود و می‌تواند با اضطراب و اشباع شناختی همراه شود. از این رو، این اصطلاح در پژوهش حاضر به عنوان یک انتخاب مفهومی برای بازنامایی ماهیت تشدیدشونده سازه به کار رفته است.

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل مضمون در نرم‌افزار MAXQDA تحلیل و در نهایت، یافته‌های هر سه مرحله با رویکرد سیستمی تلفیق شدند.

یافته‌های اصلی: نتایج تلفیق سه مرحله پژوهش به شناسایی ۳۴ مؤلفه اصلی و ۱۶۲ زیرمؤلفه منجر شد که در قالب شش عنصر سیستمی شامل ورودی‌های سیستم، مؤلفه‌های رفتاری محرک، مؤلفه‌های رفتاری پردازشی، مؤلفه‌های رفتاری زمینه‌ای، پردازشگر مرکزی و خروجی‌های سیستم سازمان‌دهی شدند. یافته‌ها نشان دادند که اطلاع‌گرایی مضاعف پدیده‌ای چندبعدی است که از تعامل عوامل اطلاعاتی، رفتاری، پردازشی و زمینه‌ای شکل می‌گیرد و در فرایند پردازش مرکزی، به الگوهای خاصی از جست‌وجو و مصرف اطلاعات منجر می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری: مدل نهایی، چارچوبی یکپارچه و کیفی برای تبیین کارکرد اطلاع‌گرایی مضاعف ارائه می‌کند که ضمن بهره‌گیری از مبانی نظری حوزه اطلاعات ابهام‌زا و اختلال اطلاعاتی، تجربه زیسته کاربران را نیز دربرمی‌گیرد. سازمان‌دهی مؤلفه‌ها در قالب عناصر سیستمی، امکان درک فرایند شکل‌گیری پردازش و پیامدهای اطلاع‌گرایی مضاعف را فراهم می‌کند و می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آتی و طراحی مداخلات مرتبط با مدیریت جست‌وجوی افراطی اطلاعات باشد.

کلیدواژه‌ها: اطلاع‌گرایی مضاعف- رفتار اطلاعاتی- ابهام اطلاعاتی- اختلال اطلاعاتی- تجربه زیسته اطلاعات

* پدیدآور رابط: hasanzadeh@modares.ac.ir

۱. مقدمه

حجم اطلاعات در فعالیتهای روزمره انسان، چه از نظر زمان صرف‌شده و چه از نظر تنوع وسایل اطلاع‌رسانی، به‌طور پیوسته در حال افزایش است (لستر و کوهرلر، ۱۳۸۹). این رشد چنان شتابان است که تا سال ۲۰۲۵، بیش از ۹۰ درصد کاربران اینترنت به مصرف‌کنندگان رسانه‌های اجتماعی تبدیل شده‌اند. کل داده‌های پیش‌بینی‌شده برای ایجاد، ضبط، کپی و مصرف در جهان در سال ۲۰۲۵ معادل ۱۸۲ زتابایت بوده و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۸ به ۳۹۴ زتابایت افزایش یابد (IDC, 2025). با این حال، تعریف اطلاعات خود مسئله‌ای پیچیده است. با وجود این دشواری، آنچه در این بحث اهمیت دارد، تفسیر کارکرد اطلاعات در فرایند تصمیم‌گیری است. از منظر نشانه‌شناسی، اطلاعات مفهومی دوجوهی است که هم به «دال/متن» (با خصلت همزمانی) و هم به «مدلول/محتوا» (با خصلت درزمانی) اشاره دارد (رابر و باد^۱، ۲۰۰۳). به عقیده هایدگر^۲ (۱۹۹۸) و دو سوسور^۳ (۱۴۰۰)، ارزش

¹ Raber & Budd

² Heidegger

³ De Saussure

اطلاعات نه در وجود عینی، بلکه در کاربرد و تفسیر آن توسط انسان معنا می‌یابد. دستیابی کامل به اطلاعات زمانی محقق می‌شود که نیاز اطلاعاتی ناشی از شکاف دانشی به پرسش و بازنمایی بدل شود تا کاربر بتواند تصمیمی آگاهانه اتخاذ کند (باریف و لاندونی^۱، ۲۰۱۹). در این بستر پیچیده، پدیده نوینی به نام «اطلاع‌گرایی مضاعف» ظهور یافته که مسیر رفع نیاز اطلاعاتی را مختل می‌کند. حسن‌زاده (۱۳۹۹) این پدیده را نخستین‌بار مطرح کرد و آن را وضعیتی تعریف نمود که در آن نیاز به دانستن در میان شهروندان به‌طور بی‌سابقه افزایش یافته و تمایل وسواس‌گونه و افراطی به جستجوی مداوم اطلاعات برای تصمیم‌گیری یا پیشگیری از خطرات فرضی ایجاد می‌شود. این گرایش که ریشه در اضطراب، عدم تحمل ابهام، بحران‌های جدی و باورهای فراشناختی دارد، می‌تواند تعادل روانی و شناختی فرد را برهم زند (حسن‌زاده، ۱۳۹۹). بنابراین درک این پدیده، نیازمند دیدگاهی اکتشافی و میان‌رشته‌ای است. از این‌رو، پژوهش حاضر با اتکا به پارادایم تفسیری-ساخت‌گرا با تأکید بر تجربه زیسته و رویکرد سیستمی در پی زایش دانش جدید (کرسول و پلانوا^۲، ۲۰۱۸؛ داورپناه، ۱۴۰۰) طراحی شده است. در این پژوهش مفهوم اطلاعات از تعریف صرفاً کمی فاصله گرفته و به‌عنوان پدیده‌ای تجربه‌شده و معنا ساز در نظر گرفته می‌شود که در بستر ادراک و تفسیر انسان شکل می‌گیرد (ساوولاینن^۳، ۲۰۰۷؛ دروین^۴، ۱۹۹۹). این تغییر نگاه، گذار از نیاز اطلاعاتی به تجربه اطلاعاتی را رقم می‌زند. بدین ترتیب، چهار مؤلفه مفهومی برای اطلاع‌گرایی مضاعف قابل شناسایی است: ۱- گرایش فزاینده به اطلاعات که در بستر عادت‌ها و اقتصاد توجه شکل گرفته و به وابستگی شناختی می‌انجامد (باودن و رایبسون^۵، ۲۰۱۲؛ اولاسویرتا و همکاران^۶، ۲۰۱۲)؛ ۲- درگیری مداوم و وسواس‌گونه ذهن با جریان‌های اطلاعاتی که دارای ویژگی‌های پیوستگی، ناتمامی و فرسایش شناختی است و حتی در غیاب رسانه نیز ادامه می‌یابد (مارک^۷ و همکاران، ۲۰۱۸؛ ویلمر^۸ و همکاران، ۲۰۱۷)؛ ۳- ادراک فشار اطلاعاتی که فراتر از حجم عینی داده‌ها، احساس ذهنی ناتوانی در مدیریت اطلاعات بوده و با اضطراب و بی‌قراری ذهنی همراه است (میسرا و استکلز^۹، ۲۰۱۲؛ باودن و رایبسون، ۲۰۲۰)؛ و ۴- فرآیند معنا سازی که نشان می‌دهد تجربه این پدیده در میان کنشگران یکسان نبوده و بسته به پیشینه و ارزش‌های فردی، گاه فرصت‌آفرین و گاه تهدیدآمیز تفسیر می‌شود (دروین، ۱۹۹۹). برای روشن‌تر شدن تمایزات مفهومی و جلوگیری از

¹ Barifah & Landoni

² Creswell & Plano

³ Savolainen

⁴ Dervin

⁵ Bawden & Robinson

⁶ Oulasvirta

⁷ Mark

⁸ Wilmer

⁹ Misra & Stokols

هم‌پوشانی یا اشتباه گرفتن این سازه با مفاهیم نزدیک و رایج در ادبیات، مرزهای آن در جدول ۱ واکاوی شده است.

جدول ۱. واکاوی مرزهای مفهومی اطلاع‌گرایی مضاعف

مفهوم	تعریف	تمرکز مفهومی	نسبت با اطلاع‌گرایی مضاعف
اطلاع‌گرایی ^۱	فرآیندی هدفمند و آگاهانه برای جستجوی اطلاعات به منظور پرکردن شکاف دانشی یا حل مسئله (ویلسون ^۲ ، ۱۹۹۹)	رفتار اطلاعاتی	سطح مقدماتی یا زمینه ساز اطلاع‌گرایی مضاعف
اطلاع‌گرایی مضاعف ^۳	گرایش افراطی به جست و جو، کسب اطلاعات، هنگام نیاز به تصمیم‌گیری شفاف در یک وضعیت پیچیده، چندوجهی و مبهم (حسن‌زاده، ۱۳۹۹)	وسواس دانستن و رفتار اطلاعاتی	مفهوم مرکزی پژوهش: پدیده ای چند وجهی و عمیقتر از اطلاع‌گرایی
سرریز اطلاعاتی ^۴	شرایطی که در آن حجم یا پیچیدگی اطلاعات دریافتی فراتر از ظرفیت پردازش فرد بوده و موجب کاهش کیفیت تصمیم‌گیری می‌شود (شهرزادی و همکاران، ۲۰۲۴)	فشار ادراکی	از پیامدهای احتمالی اطلاع‌گرایی مضاعف
اعتیاد اطلاعاتی ^۵	وابستگی بیمارگونه به دریافت مداوم اطلاعات به گونه ای که نبود اطلاعات موجب اضطراب می‌شود (داک ^۶ و همکاران، ۲۰۲۴)	استفاده بیمارگونه از بستر دیجیتال	از پیامدهای احتمالی اطلاع‌گرایی مضاعف
احتکار دیجیتال ^۸	انباشت مداوم محتوای دیجیتال و عدم تمایل به حذف آن (لیو ^۹ و لیو، ۲۰۲۵)	جمع‌آوری محتوای دیجیتال بدون پردازش موثر	از پیامدهای احتمالی اطلاع‌گرایی مضاعف

¹ Informationism

² Wilson

³ Extra- informationalism

⁴ Information overload

⁵ Shahrzadi

⁶ Information addiction

⁷ Duc

⁸ Digital hoarding

⁹ Liu

سایبرکندریا ^۱	جستجوی افراطی یا اجباری اطلاعات سلامت در اینترنت که با افزایش اضطراب و پریشانی همراه است و علی‌رغم تلاش برای کسب اطمینان، این اضطراب را تشدید می‌کند (کالکاو ^۲ و همکاران، ۲۰۲۶)	ناشی از نیاز به اطمینان‌جویی در برابر اطلاعات تأییدنشده و مبهم آنلاین	می‌تواند محرک قوی و تشدید کننده اطلاع‌گرایی مضاعف باشد.
--------------------------	--	---	---

براساس تمایزات جدول بالا، اطلاع‌گرایی مضاعف در چهار ویژگی کلیدی از اطلاع‌گرایی طبیعی و مفاهیم هم‌خانواده متمایز می‌شود:

۱. انگیزش: انگیزه اصلی در اطلاع‌گرایی مضاعف، ریشه در اضطراب شناختی، وسواس کنترلی یا اجبار درونی دارد، نه صرفاً یک نیاز شناختی مشخص و کاربردی. به عبارت دیگر، فرد به دنبال کاهش ناآرامی ناشی از ندانستن است.

۲. الگوی رفتاری: این پدیده دارای الگوی تکرارشونده، بی‌وقفه و فاقد نقطه پایان روشن است، در حالی که اطلاع‌گرایی معمولاً تکلیف‌محور، محدود به یک چرخه زمانی مشخص و هدف‌مند است. همچنین برخلاف اضافه‌بار اطلاعاتی که معمولاً پیامدی غیرارادی و ناشی از انفجار اطلاعات است، در اینجا فرد عاملی فعال و در عین حال ناتوان در تداوم چرخه جست‌وجوست.

۳. پیامد: اطلاع‌گرایی مضاعف عمدتاً به اشباع اطلاعاتی، خستگی ذهنی و اختلال در عملکرد منجر می‌شود، نه به شفافیت، دانش عمیق‌تر یا تصمیم‌گیری مؤثر. تفاوت آن با مفاهیمی چون فرسودگی اطلاعاتی در این است که فرسودگی معمولاً پیامدی منفعلانه و ناشی از فشار محیطی است، اما در اطلاع‌گرایی مضاعف، خستگی حاصل از جست‌وجو، خود به عنوان محرکی برای جست‌وجوی بیشتر عمل می‌کند.

۴. کارکرد: در مقایسه با اطلاع‌گرایی که یک سازوکار انطباقی برای حل مسئله و کاهش عدم قطعیت است، اطلاع‌گرایی مضاعف یک الگوی ناسازگار و بالقوه آسیب‌زا محسوب می‌شود که خود بخشی از مسئله است، نه راه حل آن. به بیان دیگر، این پدیده، راهبرد مقابله‌ای معیوب در مواجهه با عدم قطعیت و پیچیدگی اطلاعاتی است؛ راهبردی که به جای حل تعارض، آن را بازتولید و تشدید می‌کند.

مفاهیم موجود در علم اطلاعات همچون اضافه‌بار، فرسودگی و مصرف مداوم اطلاعات، علیرغم ارزش تحلیلی، در تبیین اطلاع‌گرایی مضاعف ناکارآمدند. مهم‌ترین نقد، تک‌بعدی بودن آن‌هاست: اضافه‌بار بر کمیت و ظرفیت پردازش متمرکز است (باودن و رابینسون، ۲۰۱۲) و فرسودگی صرفاً به پیامدهای روان‌شناختی می‌پردازد (رتزل^۳، ۲۰۱۹)، حال آن‌که از تجربه زیسته، معناسازی و پیوند

¹ Cyberchondria

² Kalkavan

³ Roetzal

ابعاد شناختی اطلاعاتی میرا می‌باشند. در حالی که اطلاع‌گرایی مضاعف دقیقاً با همین ویژگی متمایز می‌شود. ضرورت این مفهوم‌سازی، نه از سر نوآوری اصطلاحی، بلکه برآمده از تحولات عمیق زیست اطلاعاتی انسان است که مفاهیم کلاسیک از پوشش آن ناتوان‌اند (فلوریدی، ۲۰۱۴). از این رو، پژوهش حاضر با رویکردی اکتشافی-استقرایی، در پی مفهوم‌سازی مدلی جامع از مؤلفه‌ها کارکرد اطلاع‌گرایی مضاعف است تا به کاهش اضافه‌بار و آشفتگی اطلاعاتی، و تسهیل دسترسی به اطلاعات معتبر با مهار تناقض ناشی از فزونی حجم اطلاعات در برابر کاهش عمق دانش، گامی مؤثر در جهت کاهش اختلالاتی چون سایبر کندریا بردارد.

۲. پیشینه پژوهش

اطلاع‌گرایی مضاعف در ایران اولین بار توسط حسن زاده (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان "اطلاع‌گرایی مضاعف: چالش تبدیل رکود به رونق" بیان گردید. در این مقاله پژوهشگر با توجه به تغییر شرایط اجتماعی و به تبع آن تغییر موجودیت‌های اجتماعی با مثالی بر جهانی شدن کووید ۱۹، ضرورت اطلاع‌گرایی مضاعف را بیان می‌کند. اطلاع‌گرایی مضاعف تبیینی از وضعیت تمدنی عصر دیجیتال است، وضعیتی که در آن انسان در فشار هم‌زمان از سوی سه نیرو قرار می‌گیرد: ابهام و پایان‌ناپذیری اطلاعات؛ نااطمینانی و بحران‌های اجتماعی و محدودیت‌های شناختی و روانی انسان. در این وضعیت، انسان نه به دلیل کمبود اطلاعات بلکه به دلیل ناتوانی در توقف جستجوی اطلاعات دچار فرسودگی می‌شود (حسن زاده^۱، ۲۰۲۶). از سویی اطلاع‌گرایی مضاعف یک حلقه خود-تشدیدگر است که در آن، اضطراب ناشی از ابهام، منجر به جستجوی افراطی می‌شود (رحیمیان^۲ و حسن زاده، ۲۰۲۶)؛ این جستجو نیز به دلیل ناتوانی در پردازش و غربالگری، منجر به آشفتگی بیشتر و تشدید اضطراب می‌گردد. این چرخه نه تنها کیفیت تصمیم‌گیری فرد را کاهش می‌دهد، بلکه با ایجاد فرسایش اعتماد و سرگردانی اطلاعاتی، تاب‌آوری جامعه را در برابر بحران‌ها تضعیف می‌کند (رحیمیان، ۱۴۰۵). هرچند مبانی نظری اطلاع‌گرایی مضاعف به همین چارچوب پیشینه‌یی محدود می‌شود، اما برای درک مؤلفه‌های این پدیده، لازم است به مفاهیم مرتبط با آن پرداخته شود. غنچه‌مقدم و چراغ‌بیرجندی (۱۴۰۴) در پژوهشی به بررسی نقش اضافه‌بار اطلاعات و اضافه‌بار اجتماعی بر قصد تغییر رسانه‌های اجتماعی با میانجی‌گری خستگی اجتماعی پرداخته‌اند. این پژوهش شواهد تجربی مهمی درباره پیامدهای منفی اضافه‌بار اطلاعاتی و اجتماعی ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که مواجهه مداوم با جریان‌های اطلاعاتی و اجتماعی می‌تواند به خستگی تجربه‌شده و

¹ Hassanzadeh

² Rahimian

رفتارهای کناره‌گیرانه منجر شود. فریددانش و رضایی (۱۴۰۴) در پژوهشی به بررسی پیشایندها و پیامدهای روان‌شناختی اعتیاد به اینترنت پرداخته‌اند. بر این اساس، ضعف خودکنترلی باعث افزایش اعتیاد به اینترنت شده و این اعتیاد منجر به کاهش کیفیت خواب، افزایش پریشانی روان‌شناختی و در نهایت کاهش بهزیستی روان‌شناختی می‌شود. ویتک^۱ و همکاران (۲۰۱۶) با استفاده از فناوری ردیابی چشم، نشان دادند که افراد در مواجهه با ابهام و ریسک اطلاعاتی، الگوهای جستجوی بصری متفاوتی از خود بروز می‌دهند و این الگوها به‌طور مستقیم با ناتوانی در تحمل عدم قطعیت مرتبط است. پوشکارسکایا^۲ و همکاران (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای با عنوان «کسب اطلاعات بیش از حد در هنگام قضاوت‌های ساده در افراد مبتلا به اختلال احتکار» به بررسی الگوهای انباشت اطلاعات و پیامدهای شناختی آن در افراد مبتلا به اختلال احتکار پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد اضافه‌بار اطلاعاتی نه تنها یک پدیده رفتاری یا محیطی، بلکه فرآیندی عمیقاً شناختی و روان‌شناختی است که می‌تواند منجر به اختلال در حافظه کاری، تصمیم‌گیری و کارکردهای اجرایی شود. لوسن^۳ و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «علائم و سواس فکری (OCD) و جستجوی اطلاعات در طول همه‌گیری کووید-۱۹» به بررسی رابطه میان تشدید علائم و سواس فکری و الگوهای جستجوی اطلاعات در شرایط بحران سلامت عمومی پرداخته‌اند. نتایج تحلیل‌ها حاکی از آن بود که افزایش علائم و سواس فکری به‌طور مستقیم با افزایش جستجوی اطلاعات ارتباط دارد؛ به‌گونه‌ای که افراد دارای سطوح بالاتر علائم و سواس فکری، به‌صورت چشمگیری زمان و انرژی بیشتری را صرف جستجوی اطلاعات مرتبط با کووید-۱۹ می‌کردند. سیمونویچ^۴ و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای نشان دادند که ادراک ابهام اطلاعاتی، سازه‌ای مجزا از تحمل ابهام است و این ادراک می‌تواند به‌طور مستقیم بر رفتارهای مرتبط با جستجوی اطلاعات تأثیر بگذارد. در همین راستا، بارتوشک^۵ و همکاران (۲۰۲۲) با دستکاری تجربی تهدیدات مرتبط با ابهام، دریافتند که ناتوانی در تحمل ابهام، به‌طور معناداری با افزایش رفتار جستجوی اطلاعات مرتبط است؛ به‌گونه‌ای که افراد دارای تحمل پایین‌تر، تمایل بیشتری به جستجوی اطلاعات برای کاهش عدم قطعیت نشان می‌دهند. گراف و آنتونی^۶ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «غرق شدن در سیل اطلاعات: یک فراتحلیل

¹ Wittek

² Pushkarskaya

³ Loosen

⁴ Simonovic

⁵ Bartoszek

⁶ Graf

در مورد رابطه بین اضافه بار اطلاعات، رفتار، تجربه و سلامت و عوامل تعدیل کننده» به بررسی تأثیر اضافه بار اطلاعات بر رفتار، تجربه و سلامت افراد پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که اضافه بار اطلاعات می‌تواند زمینه‌ساز اطلاع‌گرایی مضاعف شود؛ وضعیتی که در آن فرد همزمان با تمایل شدید به دسترسی به اطلاعات، تحت فشار شناختی و روانی ناشی از حجم و پیچیدگی اطلاعات قرار می‌گیرد و عملکرد، تصمیم‌گیری و تجربه ذهنی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تکی‌الدین و ماداوی^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی به بررسی پدیده اضافه بار شناختی در محیط‌های خواندن هایپر تکست پرداخته‌اند. نویسندگان نشان می‌دهند که جابجایی مکرر بین فعالیت‌های یافتن مسیر و فعالیت‌های اطلاعاتی (خواندن و درک محتوا)، یکی از مهم‌ترین منابع اضافه بار شناختی در این محیط‌هاست. این یافته‌ها با نظریه‌های مرتبط با اضافه بار شناختی و محدودیت‌های حافظه کاری هم‌راستا هستند. گیوگن^۲ و همکاران (۲۰۲۴) نیز در پژوهشی نشان دادند که فراتشخیص می‌تواند جستجوی اطلاعات در ارزیابی اخبار مبهم را سوگیری کند؛ به این معنا که افراد با سطوح بالای اضطراب شناختی، تمایل بیشتری به جستجوی اطلاعات تأییدکننده دارند، در حالی که افراد با نمرات بالای اطمینان شناختی، جستجوی اطلاعات را محدود می‌کنند. بای^۳ و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی جامع نشان دادند که احتکار اطلاعات با گرایش به مواجهه‌ی انتخابی رابطه‌ی مثبت دارد و این رابطه با متغیرهای اضافه بار اطلاعاتی، تقویت حباب هویتی و ناتوانی در تحمل عدم قطعیت، تشدید می‌شود. به‌طور کلی، این پژوهش‌ها همگی بر این نکته تأکید دارند که اطلاعات مبهم، متناقض یا بیش از حد تخصصی، می‌توانند زمینه‌ساز اضطراب اطلاعاتی و الگوهای جستجوی وسواس گونه شوند و فرد را وارد چرخه‌ای کنند که در آن، جستجوی بیشتر اطلاعات، نه تنها ابهام را کاهش نمی‌دهد، بلکه به دلیل تناقض آمیز بودن اطلاعات جدید، آن را تشدید نیز می‌کند. کشلات^۴ و همکاران (۲۰۲۵) در یک پژوهشی به بررسی راهبردهای مدیریت اضافه بار اطلاعاتی پرداخته‌اند. نویسندگان تأکید می‌کنند که اضافه بار اطلاعاتی صرفاً ناشی از حجم بالای اطلاعات نیست، بلکه نتیجه ناهماهنگی میان ظرفیت‌های شناختی انسان و ساختارهای تولید و توزیع اطلاعات در محیط‌های دیجیتال است. در این چارچوب، مفاهیمی نظیر اضافه بار شناختی و اضافه بار اطلاعات دیجیتال به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی تجربه کاربران در عصر اطلاعات مطرح می‌شوند.

¹Taky-eddine

² Guigon

³ Bai

⁴ Kashlot

آدزیم^۱ (۲۰۲۵) در مقاله‌ای به مطالعه تأثیر اضافه‌بار دیجیتال بر سلامت روان نوجوانان و جوانان پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که افزایش حجم اطلاعات و تعاملات دیجیتال می‌تواند توانایی پردازش اطلاعات و مدیریت شناختی کاربران را تحت فشار قرار دهد. مرور مطالعات فوق نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های متعددی به‌طور غیرمستقیم به جنبه‌هایی از اطلاع‌گرایی مضاعف پرداخته‌اند، اما هیچ‌یک از آن‌ها به ارائه مدلی جامع و یکپارچه از کارکرد و مؤلفه‌ها این پدیده نپرداخته‌اند. همچنین فقدان پژوهشی با رویکردی تجربه-محور و کیفی که به واکاوی عمیق تجربه زیسته افراد درگیر با این پدیده بپردازد، به‌عنوان خلأیی جدی در ادبیات موضوع احساس می‌شود (رحیمیان، ۱۴۰۵). از این رو، پژوهش حاضر با هدف طراحی مدلی کارکردی و مفهوم‌پردازی بنیادین از اطلاع‌گرایی مضاعف، می‌کوشد تا ضمن پر کردن خلأ موجود در ادبیات علمی، زمینه تدوین راهکارهای اثربخش برای مدیریت پیامدهای اطلاعاتی آن را فراهم آورد.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش، برای آنکه تصویری کامل و چندلایه از کارکرد اطلاع‌گرایی مضاعف به دست بیاید، ترکیبی از سه رویکرد کیفی استفاده شده است. هر کدام از این روش‌ها، برای پاسخ به یک نیاز شناختی مشخص در این پژوهش انتخاب گردید:

- **فرا ترکیب**، استخراج و صورت‌بندی نظری سازه کلیدی «اطلاعات ابهام‌زا» به عنوان محرک بنیادین در مدل مفهومی اطلاع‌گرایی مضاعف.
- **مرور نظام‌مند**، شناسایی و واکاوی مؤلفه «اختلال اطلاعاتی» به عنوان بستر آسیب‌زای محیطی که تعامل فرد با ابهام اطلاعاتی را پیچیده‌تر و ناکارآمد می‌سازد.
- **تحلیل پدیدارشناختی**، از دل تجربه‌ی زیسته‌ی افراد، رفتارها و پویایی‌های واقعی شناسایی شوند.

خروجی هر گام، دقیقاً به‌عنوان ورودی گام بعدی طراحی شد. سه مدل کیفی استخراج‌شده، هر یک بخشی از پازل پدیده کارکرد اطلاع‌گرایی مضاعف را مشخص می‌کنند. تلفیق این مدل‌ها با بهره‌گیری از رویکرد سیستمی انجام شد که امکان نگریستن به پدیده را به عنوان یک کل یکپارچه با اجزای به هم پیوسته فراهم می‌آورد.

- مرحله نخست: فرا ترکیب نظریه‌ها (کانون‌یابی بر اطلاعات ابهام‌زا)

¹ Adzimah

هدف این مرحله، شناسایی نظری مؤلفه «اطلاعات ابهام‌زا» به‌عنوان محرک بنیادین در شکل‌گیری تمایل افراطی به دانستن (اطلاع‌گرایی مضاعف) بود. انتخاب این مؤلفه به‌عنوان کانون تحلیل نخست، بر اساس جایگاه آن در ادبیات علوم اطلاعات و شناختی استوار است؛ چراکه اطلاعات ابهام‌زا به‌عنوان محرکی هیجانی-شناختی، سیستم پردازش اطلاعات را فعال کرده و نیاز به کاهش عدم قطعیت را برمی‌انگیزد (اسپکتور و وولف^۱، ۲۰۲۳؛ چوداری^۲ و همکاران، ۲۰۱۴). برای دسته‌بندی نظام‌مند نظریه‌های مرتبط با پدیده‌ی اطلاعات ابهام‌زا، از روش فراترکیب با رویکرد هفت‌گانه استفاده شد. به منظور افزایش شفافیت و قابلیت تکرارپذیری فرایند جستجو و گزینش مقالات، از بیانیه‌ی پریزما^۳ (۲۰۲۰) به‌عنوان راهنمای گزارش‌دهی بهره گرفته شد (نی^۴، ۲۰۱۶). بنابراین، پریزما در این پژوهش نقش ابزاری کمکی داشته و روش اصلی تحلیل و دسته‌بندی نظریه‌ها، فراترکیب است. فرآیند اجرا به شرح زیر است:

۱. **شناسایی.** تدوین سؤال پژوهش و جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های معتبر (Google Scholar، Scopus، Web of Science، ScienceDirect) با کلیدواژه‌های تخصصی «Information Complexity»، «Ambiguous Information»، «Information Theory»، «Information Overload» Disorder. در این مرحله ۱۰۷ نظریه شناسایی گردید. با توجه به هدف شناسایی نظریه‌های بنیادین، محدودیت زمانی اعمال نشد و جستجو بر اساس شایستگی‌های مفهومی انجام گرفت.

۲. **غربالگری.** در این مرحله، غربالگری بر اساس عنوان و چکیده‌ی نظریه‌ها انجام شد. هدف، حذف نظریه‌هایی بود که آشکارا با موضوع پژوهش ارتباط نداشتند. معیارهای خروج:

- نظریه‌هایی که به‌جای پرداختن به «ابهام» یا «عدم قطعیت»، صرفاً به جنبه‌های کمی یا ریاضیاتی اطلاعات پرداخته بودند،
- نظریه‌های صرفاً فنی و ریاضی بدون کاربرد شناختی/اطلاعاتی،
- مطالعات تجربی بدون چارچوب نظری،
- مطالعات غیرمرتبط با حوزه علوم اطلاعات.

¹ Spekter & Wulff

² Chowdhury

³ PRISMA

⁴ Nye

در این مرحله از ۱۰۷ نظریه، تعداد ۴۲ نظریه حذف شدند و ۶۵ نظریه برای ارزیابی متن کامل باقی ماندند.

۳. **ارزیابی شایستگی.** در این مرحله، متن کامل ۶۵ نظریه‌ی باقیمانده به‌دقت بررسی شد. ارزیابی بر اساس معیارهای زیر انجام گرفت:

معیارهای ورود:

- دارا بودن چارچوب مفهومی مدون و نظریه‌پردازی درباره‌ی اطلاعات/ابهام/عدم قطعیت،
 - ارائه‌ی مدل یا چارچوب نظری قابل تعمیم به پدیده‌ی اطلاعات ابهام‌زا،
 - دسترسی به متن کامل منبع اصلی نظریه.
- معیارهای خروج:

- نظریه‌هایی که پس از مطالعه‌ی متن کامل، ارتباط مفهومی کافی با علوم اطلاعات/اطلاعات ابهام‌زا نداشتند.

در این مرحله تعداد ۱۵ نظریه حذف شدند و در نهایت ۵۰ نظریه‌ی واجد شرایط برای تحلیل نهایی انتخاب شدند.

۴. **انتخاب نهایی.** ۵۰ نظریه واجد شرایط مرتبط حوزه‌های فلسفه اطلاعات، علوم اطلاعات، ارتباطات، علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی در این مرحله انتخاب شدند.

۵. **کدگذاری.** در این مرحله متن کامل نظریه‌ها در نرم‌افزار MAXQDA وارد و تحلیل با روش کدگذاری ترکیبی (قیاسی-استقرایی) انجام گرفت.

۶. **تحلیل و ترکیب.** کدهای استخراج‌شده بر اساس اشتراک معنایی در قالب مقوله‌های محوری و سپس مضامین اصلی سازماندهی شدند.

۷. **اعتبارسنجی.** یافته‌های حاصل از تحلیل (شامل کدها، مقوله‌های محوری و مضامین اصلی) در قالب یک گزارش ساختاریافته به پنلی متشکل از ۵ نفر از متخصصان (از حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی و علوم عصب روان‌شناختی) ارائه شد. انتخاب ۵ خبره بر اساس مطالعات روش‌شناختی پیشین صورت گرفت که نشان می‌دهند برای اعتبارسنجی کیفی و دستیابی به اجماع مفهومی، کفایت می‌کند (سندلوسکی^۱، ۱۹۹۵؛ آرمسترانگ^۲ و همکاران، ۱۹۹۷؛ درس و همکاران^۳، ۲۰۰۵). خبرگان ضمن تأیید کلی یافته‌ها، اصلاحات جزئی در نام‌گذاری برخی مقوله‌ها ارائه دادند که

¹ Sandelowski

² Armstrong

³ Dorussen

اعمال گردید. حاصل این فرآیند، تولید یک مجموعه اولیه از کدها و مقوله‌های مفهومی بود که ابعاد نظری سازه «اطلاعات ابهام‌زا» را بازنمایی می‌کرد. این مقوله‌های استخراج‌شده، چارچوب مفهومی مبنایی را برای گام بعدی پژوهش (مرحله دوم) و همچنین برای طراحی سؤالات اکتشافی در مصاحبه‌های عمیق (مرحله سوم) فراهم نمودند.

-مرحله دوم: مرور نظام‌مند مقالات (افزودن مؤلفه اختلال اطلاعاتی)^۱

هدف این مرحله، تکمیل چارچوب تحلیلی با افزودن مؤلفه‌ی «اختلال اطلاعاتی» به عنوان بستر آسیب‌زای محیطی بود که تعامل فرد با ابهام اطلاعاتی را پیچیده‌تر می‌سازد. منطق گنجاندن این مؤلفه، بر محدودیت تحلیلی مرحله نخست استوار است. اگرچه اطلاعات ابهام‌زا به عنوان محرک بنیادین شناسایی شد، اما این سازه به تنهایی نمی‌توانست تداوم و تشدید چرخه‌ی اطلاع‌گرایی مضاعف را تبیین کند. بر اساس مبنای نظری، محیط اطلاعاتی معاصر، افزون بر ابهام، آکنده از اطلاعات عمدتاً نادرست، همراه‌کننده و مخرب است که پردازش شناختی را مختل کرده و پاسخ‌های انطباقی را به سمت راهبردهای وسواس‌گونه سوق می‌دهد (بوچنان^۲، ۲۰۲۰؛ تور^۳، ۲۰۲۵). بدین ترتیب، ادغام این دو مؤلفه، مدلی جامع‌تر را ممکن می‌سازد که هم محرک‌های درونی (ابهام) و هم موانع محیطی (اختلال) را در بر گیرد. برای اجرا، یک مرور نظام‌مند هدفمند در پایگاه اسکوپوس با کلیدواژه‌های اصلی (Disinformation، Information Disorder، Misinformation و Malinformation) در بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۲۵ انجام شد. انتخاب این بازه، امکان دسترسی به جدیدترین یافته‌های تجربی و الگوهای نوظهور اختلال اطلاعاتی را فراهم کرد. مدل چهارجزئی ارتباطات (فرستنده، پیام، کانال، گیرنده) به عنوان الگویی از پیش تعیین شده (قیاسی) استفاده شد، اما خود فرایند کدگذاری و استخراج مفاهیم، کاملاً استقرایی و مبتنی بر محتوای مقالات انجام شد. این رویکرد ترکیبی (قیاسی-استقرایی) در ادبیات روش‌شناسی کیفی به عنوان راهبردی معتبر برای اکتشاف مفهومی معرفی شده است (لینکلن و گوبا^۴، ۱۹۸۵؛ سندلوسکی^۵ و بارسو، ۲۰۰۷). در این مرحله گزینش مقالات بر اساس چک‌لیستی از معیارهای کیفی شامل ارتباط موضوعی، نوع مدرک (مقاله پژوهشی)، کیفیت نشریه و دسترسی به متن کامل انجام گرفت. فرایند غربالگری در چهار مرحله شامل بررسی عنوان و چکیده، بررسی نوع مدرک، بررسی کیفیت نشریه

^۱ Information Disorder

^۲ Buchanan

^۳ Torre

^۴ Lincoln & Guba

^۵ Sandelowski

و ارزیابی متن کامل صورت پذیرفت. از میان ۳۰۸ مدرک اولیه شناسایی شده در پایگاه اسکوپوس، ۶۵ مقاله که به صورت مستقیم به ابعاد مفهومی، انواع، یا پیامدهای اختلال اطلاعاتی می‌پرداختند، برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. توقف نمونه‌گیری در این تعداد، بر اساس اعمال کامل معیارهای ورود و خروج و دستیابی به جامعیت جستجو در بازه زمانی تعیین شده صورت گرفت. به عبارت دیگر، پس از اعمال تمامی معیارهای غربالگری، هیچ مقاله جدیدی با شرایط ورود به پژوهش یافت نشد. تحلیل داده‌های این مرحله با استفاده از چارچوب تحلیلی چهارجزئی ارتباطات (فرستنده، پیام، کانال، گیرنده) انجام شد. هر مقاله با توجه به مؤلفه‌های این چارچوب، مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت و کدهای مرتبط استخراج گردید.

-مرحله سوم: تحلیل پدیدارشناختی تجربه زیسته

هدف این مرحله، تعمیق و تکمیل مدل مفهومی اولیه از طریق کشف تجربه‌ی زیسته و ادراک ذهنی افرادی بود که به طور ملموس در معرض ابهام و اختلال اطلاعاتی قرار دارند. منطق انتخاب دانشجویان تحصیلات تکمیلی به عنوان گروه کلیدی، بر پایه مواجهه مستمر آن‌ها با حجم انبوه، پیچیدگی و تناقض‌آمیز اطلاعات تخصصی در فرآیند پژوهش و تصمیم‌گیری استوار بود. روش اجرا، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق با نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع (جنسیت، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، سن) از میان دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس (تحصیلات تکمیلی) و تکمیل آن با نمونه‌گیری گلوله برفی بود. دانشگاه تربیت مدرس به عنوان دانشگاهی که صرفاً تحصیلات تکمیلی کشور است، انتخاب شد. این دانشگاه به دلیل ویژگی‌هایی، بستری ایده‌آل برای مطالعه‌ی پدیده اطلاع‌گرایی مضاعف فراهم کرد: ۱) مواجهه مستمر دانشجویان با حجم انبوه، پیچیدگی و تناقض‌آمیز اطلاعات تخصصی در فرآیند پژوهش و تصمیم‌گیری، ۲) تنوع بالای رشته‌های تحصیلی از علوم انسانی تا فنی و پزشکی، ۳) پذیرش دانشجویان از سراسر کشور با تنوع قومی و فرهنگی. بنابراین، انتخاب این دانشگاه نه یک محدودیت، بلکه یک انتخاب هدفمند برای دسترسی به نمونه‌ای با غنای اطلاعاتی و تنوع بالا بوده است.^۱ مشارکت کنندگان، ابتدا بر اساس معیارهای ورود مشخص انتخاب شدند. تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری در هر رشته‌ای، خوداظهاری (تجربه حداقل یک موقعیت مبهم اطلاعاتی شدید در طول یک سال گذشته که منجر به احساس سردرگمی، اضطراب یا اجبار به جستجوی افراطی شده باشد براساس گزارش تجربه

^۱ پژوهش‌های آینده با نمونه‌گیری از دانشگاه‌های مختلف می‌توانند به غنای بیشتر یافته‌ها و امکان مقایسه‌پذیری کمک کنند.

مرتبط توسط مشارکت کننده بر اساس معیارهای از پیش تعیین شده) تمایل و توانایی برای به اشتراک گذاشتن این تجربه در مصاحبه بود. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری (پس از ۲۴ مصاحبه) ادامه یافت. ابزار گردآوری، راهنمای مصاحبه‌ای با ۶ محوریت اصلی بود که بر پایه چارچوب مفهومی مراحل قبل و رویکرد سیستمی طراحی شده بود. تمام مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه، به صورت حضوری و با میانگین ۴۵ دقیقه انجام، ضبط و پیاده‌سازی شدند. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون با رویکرد تلفیقی (استقرایی-قیاسی) در نرم‌افزار MAXQDA انجام گرفت. فرآیند تحلیل شامل آشنایی با داده‌ها، کدگذاری اولیه، تشکیل مضامین اولیه، بازبینی، تعریف نهایی و تهیه گزارش تحلیلی بود. در این فرآیند، مضامین استخراج شده از مصاحبه‌ها به طور مستمر با مقولات نظری مراحل اول و دوم مقایسه و تلفیق شدند تا شبکه‌ای مفهومی یکپارچه شکل گیرد.

۴. یافته‌ها

- یافته‌های مرحله اول. هدف این فاز، استخراج و صورت‌بندی نظری سازه کلیدی «اطلاعات ابهام‌زا» به عنوان محرک بنیادین از بین ۱۰۷ نظریه، در مدل مفهومی کارکرد اطلاع‌گرایی مضاعف بود. واحد تحلیل، «گزاره‌های نظری» مرتبط با ویژگی‌ها، مکانیسم‌ها و پیامدهای اطلاعات ابهام‌زا بود. در فرآیند کدگذاری، گزاره‌های نظری به کدهای باز تبدیل شدند؛ برای نمونه: «اطلاعات به عنوان کنشگر فعال عمل می‌کند»، «اطلاعات مبهم امکان تفاسیر متعدد را فراهم می‌کند»، «ابهام می‌تواند هم چالش مانع تصمیم‌گیری و هم فرصت باعث پویایی باشد». این کدهای باز در مرحله بعد با یکدیگر مقایسه و در مقوله‌های محوری سطح بالاتر ادغام شدند. این فرآیند برای هر ۵۰ نظریه نهایی به صورت نظام‌مند تکرار و در نهایت، موارد تکراری و هم‌پوشانی و تعدیل شدند. در فرایند کدگذاری در مجموع ۵۶ مولفه اصلی و ۲۵۳ مولفه فرعی تایید گردید که با تجمیع و ترکیب مفهومی به ۱۹ مولفه اصلی و ۱۷۰ مولفه فرعی تعدیل یافت. پس از استخراج مؤلفه‌ها، برای اطمینان از روایی محتوایی آن‌ها، از روش سنجش روایی محتوایی (CVI) استفاده شد. نسخه‌ی اولیه‌ی کدها و تعاریف آن‌ها در اختیار ۵ نفر از خبرگان قرار گرفت. میزان ارتباط، وضوح و تناسب هر مؤلفه در مقیاس ۴ درجه‌ای (۱=نامرتب تا ۴=کامل مرتبط) ارزیابی شد. شاخص CVI هر مؤلفه از تقسیم تعداد خبرگانی که امتیاز ۳ یا ۴ داده‌اند بر کل متخصصان محاسبه گردید (پایلو^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). بر اساس معیار یادشده، $CVI \geq 0.79$ پذیرفته شده تلقی شد. تمامی مؤلفه‌ها

¹ Pilot

امتیازی بالاتر از ۰.۷۹ کسب کردند که نشان‌دهنده‌ی توافق بالای متخصصان در مرتبط بودن مؤلفه‌ها با مفهوم اطلاع‌گرایی مضاعف است. این اقدام، اعتبار درونی مدل کیفی را در چارچوب استانداردهای پژوهش‌های کیفی تأمین نموده است (لینکلن^۱ و گوبا، ۱۹۸۵). این مؤلفه‌ها در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. مؤلفه‌های اصلی و زیرمؤلفه‌های اطلاع‌گرایی مضاعف مبتنی بر اطلاعات ابهام‌زا

ردیف	مؤلفه اصلی	زیرمؤلفه‌ها	ردیف	مؤلفه اصلی	زیرمؤلفه‌ها
۱	تمایل افراطی به اطلاع‌یابی	اضطراب دانستن، تحمل‌ناپذیری ابهام، اجبار در جست‌وجو، بازگشت مکرر به منابع، تمایل به جستجوی قطعی، اعتماد پایین به دانش قبلی، انباشت اطلاعات غیرضروری	۱۱	اکتشاف بی‌هدف اطلاعاتی	یادگیری پرش‌گونه، اکتشاف اطلاعات بی‌هدف، تمایل یادگیری سریع، فقدان بازبینی رفتار اکتشافی
۲	کمال‌طلبی مهارتی	اضطراب ناکفایتی، تمایل به بهبود مستمر جستجو، اعتیاد به یادگیری، مقایسه اجتماعی مکرر، اجتناب از عمل، ترس از شکست در یادگیری	۱۲	مدیریت ناپایدار دانش شخصی	ذخیره‌سازی بدون طبقه‌بندی، ناکارآمدی در بازیابی، سازماندهی نمایشی، ناتوانی در بکارگیری دانش
۳	ساده‌سازی اطلاعاتی	اجتناب از پیچیدگی، تمایل به خلاصه‌سازی، رضایت‌جویی از دانستن سطحی، وابستگی به قالب‌های ساده	۱۳	اختلال در مدیریت اطلاعات	ناتوانی در پالایش، آشفتگی زمانی، عدم تمرکز، اختلال در ذخیره‌سازی، اشباع‌زدگی، هم‌زمانی منابع متضاد
۴	تمایل افراطی به اطلاعات بدون پالایش رسمی	جست‌وجوی افراطی روایت‌های غیررسمی، بی‌اعتمادی به منابع رسمی، تحریک‌پذیری در برابر	۱۴	اختلال در هم‌کنش اجتماعی-دانشی	وابستگی دانشی به تأیید مخاطبان، تبادل اطلاعات نمایشی،

¹ Lincoln

			فیلترینگ، لذت از شکستن مرزهای دانشی، اجبار به رمزگشایی اطلاعات ممنوع		الگوبرداری ناسالم، رقابت سطحی دانش
۵	ناتوانی در پردازش و ارزیابی اطلاعات	۱۵	ضعف سواد اطلاعاتی، ضعف سواد رسانه‌ای	آشناگی تفسیری اطلاعات	تفسیرپذیری مبهم، تفسیر احساسی، تغییرپذیری مفهوم در بسترهای متغیر، نسبی گرایی افراطی
۶	اغتشاش پردازش اطلاعاتی	۱۶	سرعت انتشار بالا، نبود اعتبارسنجی، پیچیدگی محتوای پیام، سردرگمی	ناتوانی تصمیم‌گیری اطلاعات محور	فلج تصمیم‌گیری، شتاب‌زدگی، تأخیر مزم، تصمیم‌گیری ظاهری، ناپایداری
۷	سوگیری‌های شناختی اطلاعاتی	۱۷	سوگیری تأییدی، سوگیری شناختی، سوگیری چندلایه (جنسیت/نژاد/طبقه‌ای)	چالش‌های ارزیابی منابع اطلاعاتی	اعتماد کور به منابع مشهور، ناتوانی در تمایز علمی/غیرعلمی، سوگیری منبع محور، تردید افراطی، عدم تشخیص اهداف تجاری
۸	پیچیدگی پردازش اطلاعات	۱۸	تضاد اطلاعاتی، انباشت داده خام، ابهام مفهومی، درهم‌ریختگی منابع، چندگانگی معنا، تخصص‌گرایی افراطی، ناتوانی در خلاصه‌سازی	اختلال در سازماندهی اطلاعات	انباشت دسته‌بندی نشده، ناتوانی در اولویت‌بندی، اشباع زیست‌بوم اطلاعاتی، ناتوانی در ایجاد ارتباط، هدررفت زمان
۹	نارسایی در تفکر انتقادی و بازاندیشی	۱۹	ناتوانی در سنجش اعتبار، ضعف در تحلیل منطقی، ناتوانی بازاندیشی شناختی، پذیرش منفعلانه، تصعّب و قطعی‌گرایی، ناتوانی در تشخیص مغالطات	فرسایش اعتماد اطلاعاتی	بی‌اعتمادی پیش‌فرض، سوءظن افراطی به منابع

۱۰	شبه‌نوآوری	شتاب‌زدگی در ایده‌پردازی، تقلید نوآورانه بی‌پایه، نوآوری پرزرق‌وبرق، ایده‌پردازی متناقض با واقعیت، فرسایش شناختی ناشی از نوآوری اجباری
----	------------	--

- یافته‌های مرحله دوم

این مرحله از میان ۳۰۸ مقاله اولیه، ۶۵ مقاله پژوهشی واجد شرایط برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. تحلیل این مقالات با استفاده از چارچوب چهار جزئی ارتباطات (فرستنده، پیام، کانال، گیرنده) صورت پذیرفت. تحلیل عمیق ۶۵ مقاله منتخب، منجر به شناسایی ۱۴ مؤلفه اصلی و ۶۱ زیرمؤلفه در چهار حوزه کلیدی فرستنده، محتوا، کانال و گیرنده گردید. این مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

جدول ۳. مؤلفه‌های اصلی و زیرمؤلفه‌های اختلال اطلاعاتی بر اساس چارچوب چهار جزئی ارتباطات

ردیف	مؤلفه اصلی	زیرمؤلفه‌ها	ردیف	مؤلفه اصلی	زیرمؤلفه‌ها
۱	فرستندگان هدفمند	انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی/سودجویانه، ایدئولوژیک، دستکاری افکار عمومی، تهاجم فرهنگی، جنگ ترکیبی/پوپولیسم دیجیتال، عملیات روانی	۸	محتوای چندوجهی و واقع‌نما	ترکیب متن، تصویر و صدا، شباهت زیاد به محتوای واقعی، استفاده از قالب‌های حرفه‌ای رسانه‌ای، نشانه‌های سطحی اعتبار
۲	کششگران غیرشفاف و نامعتبر	حساب‌های ناشناس، ترول‌ها، ربات‌ها، گروه‌های هکری، اینفلوئنسرهای فاقد مسئولیت حرفه‌ای، وبسایت‌ها و رسانه‌های جعلی، خبرگزاری‌های ساختگی و شبه‌خبری	۹	ساختارهای فنی و الگوریتمی تشدیدکننده	الگوریتم‌های شخصی‌سازی محتوا، تقویت تعامل با هشتک‌های هیجانی، سرعت و گسترش انتشار (اینفودمیک)
۳	محوریت فناوری در تولید پیام	تولید اخبار جعلی با هوش مصنوعی، دیپ‌فیک (تصویر، صدا، ویدئو)، نقل‌قول‌های ساختگی، تصاویر استوک	۱۰	فقدان نظارت و حکمرانی اطلاعات	کانال‌ها و پلتفرم‌های نامعتبر، فقدان معیارهای استاندارد و قانون خدمات دیجیتال، سیاست‌های

			(آرشیوی و کلیشه‌ای)، دستکاری داده‌ها و آمار		ضعیف مدیریت محتوا و حذف دیر هنگام
۴	نقض اخلاق و مسئولیت حرفه‌ای	عدم شفافیت، عدم راستی آزمایی، خودسانسوری رسانه‌ها، روایت‌سازی هدایت‌شده	۱۱	ضعیف سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای	عدم توانایی در راستی آزمایی منابع، ناآشنایی با ابزارهای راستی آزمایی، ضعف سواد دیجیتال و سلامت اطلاعاتی
۵	ماهیت نادرست و تحریف‌شده	اطلاعات نادرست، جعلی، گمراه‌کننده، شبه‌اطلاعات، حذف گزینشی اطلاعات، روایت‌های تحریف‌شده	۱۲	سوگیری‌ها و آسیب‌پذیری‌های شناختی	سوگیری تأییدی، اثر حقیقت کاذب، تأثیرپذیری از منابع درون‌گروهی
۶	بار هیجانی و قطبی‌سازی	محتوای ترس‌آفرین، خشم‌برانگیز، سخنان نفرت‌پراکنی، کلیشه‌های منفی، عنوان‌های کلیک‌خور و هیجانی	۱۳	حالت‌های هیجانی و روانی	ترس، خشم، اضطراب، ناامیدی، خستگی شناختی و فرسودگی خبری، قطبی‌شدگی و تمایل به محتوای حزبی
۷	پیچیدگی محتوا	محتوای توطئه‌آمیز، شبه‌علم، مرز مبهم بین واقعیت و نظر، داده‌هایی با صحت نامشخص، روایت‌های پس‌احقیقت	۱۴	عدم توانایی در پردازش پیچیدگی	سردرگمی مفهومی، عدم توانایی در تمایز بین نظر و واقعیت، ضعف در تفکر نقادانه و مستقل

- یافته‌های مرحله سوم

مشخصات مشارکت‌کنندگان در مصاحبه در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. مشخصات مشارکت‌کنندگان

جنسیت	زن	۱۴	۵۸/۳
	مرد	۱۰	۴۱/۷
مقطع تحصیلی	دکتری	۱۴	۵۸/۳
	کارشناسی ارشد	۱۰	۴۱/۷

گروه سنی	۲۵-۲۹ سال	۹	۳۷/۵
	۳۰-۳۴ سال	۷	۲۹/۲
	۳۵-۴۰ سال	۸	۳۳/۳
شبکه اجتماعی پرمصرف	اینستاگرام	۲۴	۱۰۰
	کمتر از ۲ ساعت	۳	۱۲/۵
	۲-۴ ساعت	۱۴	۵۸/۳
میزان مصرف روزانه شبکه اجتماعی	بیش از ۴ ساعت	۷	۲۹/۲
	گوگل اسکالر	۲۳	۹۶
	اسکوپوس	۳	۱۲/۵
پایگاه علمی پرمصرف ^۱	ریسرچ گیت	۲	۸/۳
	وب‌آوساینس	۱	۴/۲

در جدول ۵، مؤلفه‌های اصلی، زیرمؤلفه‌های مرتبط با هر مؤلفه و نمونه‌گفتارهای مشارکت‌کنندگان (با ذکر کد هر مشارکت‌کننده) ارائه شده است.

جدول ۵. مؤلفه‌های اصلی، زیرمؤلفه‌های مرتبط با هر مؤلفه و نمونه‌گفتارهای مشارکت‌کنندگان

مؤلفه	زیرمؤلفه‌ها و نمونه‌گفتارها	مؤلفه	زیرمؤلفه‌ها و نمونه‌گفتارها
۱. تمایل افراطی به اطلاع‌یابی	۱- اضطراب اطلاع‌یابی: «همش استرس دارم نکته مهمی رو از دست داده باشم...» (P07) - تحمل‌ناپذیری ابهام: «وقتی چیزی رو کامل نمی‌دونم، کلافه می‌شم...» (P12) - تمایل اجبارگونه به جست‌وجو: «نصف شب بیدار می‌شم و ناخودآگاه گوشی رو برمی‌دارم...» (P15) - وسواس تأیید و قطعیت: «به مطلب رو از چند منبع چک می‌کنم...» (P03) - اعتماد پایین به دانش پیشین: «بازم حس می‌کنم کافی نیست» (P09) - رفتار	۹. ساده‌سازی اطلاعاتی	۱- اجتناب از پیچیدگی: «مطالب پیچیده رو ول می‌کنم...» (P01) - تمایل به دریافت خلاصه: «همش دنبال خلاصه کتاب هستم...» (P10) - رضایت از دانش سطحی: «همون قدر که تیترا می‌گن برام کافیه» (P20) - وابستگی به قالب‌های ساده: «اینفوگرافیک‌ها رو دوست دارم...» (P24)

^۱. درصدها بر اساس تعداد مشارکت‌کنندگان (۲۴ نفر) محاسبه شده و مجموع آنها به دلیل استفاده همزمان از چند پایگاه، بیش از ۱۰۰ است.

		انباشتی اطلاعات: «بیش از ۵۰۰ مقاله داندلود کردم...» (P11)	
۲. کمال‌طلبی مهارتی	۱۰. جذابیت‌محوری اطلاعات	- اضطراب ناکفایتی: «هرچی بیشتر می‌خونم، حس می‌کنم کمتر می‌دونم» (P18) - تمایل افراطی به بهبود مستمر: «پایان‌نامه‌مو چندین بار بازنویسی کردم» (P22) - تمایل افراطی به یادگیری: «همزمان سه تا دوره آنلاین ثبت نام کردم...» (P05) - مقایسه اجتماعی مکرر: «همکلاسی‌ها بیشتر از من می‌دونن...» (P08) - فلج تحلیلی: «انقدر تحلیل کردم که دیگه نمی‌تونم تصمیم بگیرم» (P14) - ترس از قضاوت در یادگیری: «توی کلاس سوال نمی‌پرسم» (P19)	
۳. خودفرسایشی دانشی	۱۱. تعامل اطلاعاتی افراطی	- اضطراب دانش ناکافی: «اطلاعاتم قدیمیه، باید آپدیت کنم» (P21) - تمایل افراطی به انباشت کنترل‌گرانه: «همه فایل‌ها رو دسته‌بندی می‌کنم، ولی دیگه وقتی وقتی نمی‌مونه بخونمشون» (P04) - تمرکز افراطی بر جزئیات: «گیر می‌دم به جزئیات ریز، کلان قضیه رو گم می‌کنم» (P16) - اجبار به جامع‌نگری: «می‌خوام همه مقاله‌هایی که تا حالا نوشته شده رو بخونم» (P23) - بی‌اعتمادی به ساختار دانش پیشین: «همش شک می‌کنم به مباحثی که قبلاً قبول داشتم» (P02) - تحلیل‌گری فلج‌کننده: «انقدر تحلیل	
		- گزینش بر اساس جذابیت ظاهری: «مرور سطحی مقاله مهمه، بعد محتواش» (P07) - اجتناب از اطلاعات علمی: «مقالات علمی خشک رو دوست ندارم» (P12) - وابستگی به تحریک حسی: «ویدیوهای پرتحرک رو بیشتر می‌بینم» (P09) - کاهش آستانه تحمل شناختی: «خواندن متن طولانی برام سخته» (P15) - لذت‌گرایی اطلاعاتی: «اطلاعاتی رو می‌خونم برام حس خوبی داره...» (P03) - نیاز به تعامل به بهانه اطلاعات: «چیزایی رو تو گروه‌ها می‌فرستم تا بهانه‌ای برای ارتباط باشه» (P18) - جلب تأیید از طریق ابراز اطلاع: «چیزایی رو می‌ذارم تو استاتوس که بقیه بگن به‌روزم» (P05) - استفاده ابزاری از فضاهای اطلاعاتی: «توی فروم‌ها زیاد نظر می‌دم تا دیده بشم» (P22) - پرسشگری نمایشی: «سوالاتی می‌پرسم که خودم جوابشو می‌دونم» (P14) - افزایش کمی تعاملات: «دائم کامنت می‌ذارم، انگار وظیفست» (P19)	

		می‌کنم که هیچ نتیجه‌ای نمی‌گیرم» (P13)	
۴. تمایل افراطی به صحت اطلاعات	۱۲. الگوبرداری افراطی	- نیاز به واقعیت قطعی: «دوست دارم جواب‌ها قطعی باشه» (P06) - حساسیت افراطی به خطا: «اگر به غلط کوچک تو کارم باشه، کلش رو زیر سوال می‌برم» (P17) - تمایل افراطی به راستی‌آزمایی: «هر خبری می‌بینم، چندین منبع رو چک می‌کنم» (P01) - مقاومت در برابر نسبی‌گرایی شناختی: «نمی‌تونم بپذیرم به موضوع چند تا جواب درست داشته باشه» (P10) - کمال‌گرایی در ارزیابی شناختی: «استدلال‌های خودمو بی‌نقص می‌خوام» (P20)	
۵. اضطراب هویتی	۱۳. تمایل به اطلاعات غیررسمی	- اضطراب هویتی: «نمی‌دونم واقعاً کی هستم» (P24) - جست‌وجوی افراطی برای پاسخ‌های قطعی درباره خود: «دائم تست‌های شخصیت شناسی می‌دم» (P07) - خودکاوی اطلاعاتی مکرر: «پست‌های قدیمی‌مو می‌خونم تا ببینم چطور تغییر کردم» (P12) - مقایسه افراطی خود با افراد معروف: «زندگی اینفلوئنسرها رو نگاه می‌کنم» (P15) - احساس عدم انسجام هویتی: «هر جا بحثی باشه اطلاعاتم را بیان میکنم» (P09) ؛ - ششخوار فکری خودتحلیل‌گرانه: «مدام به این فکر می‌کنم که چرا فلان کار رو کردم» (P03)	
		- جست‌وجوی روایت‌های غیررسمی: «اخبار رو از کانال‌های غیررسمی پی‌گیرم» (P13) - بی‌اعتمادی به منابع رسمی: «رسانه‌های رسمی دروغ می‌گن، شبکه‌های اجتماعی واقعیت رو می‌گن» (P23) - تحریک‌پذیری به اطلاعات فیلترشده: «وقتی می‌گن به چیزی فیلتره، کنجکاوتر می‌شم» (P02) - لذت از نقض مرزهای دانشی: «حس خوبی داره وقتی چیزی رو می‌دونم که عمومی نیست» (P06) - اجبار به کشف اطلاعات ممنوع: «هر چی رو فیلتر کنن، تمایل دارم پیدا کنم» (P17)	

۶. رضایت طلبی	-رضایت موقت پس از جست وجو: «وقتی به مطلب جدید پیدا می کنم، به لحظه حال می کنم» (P11) - تمایل افراطی به اطمینان خاطریابی: «هر وقت استرس دارم، می رم توی اینترنت دنبال چیزی می گردم» (P18)-وابستگی به رضایت دانشی: «وقتی به چیز جدید یاد می گیرم، حس می کنم باارزش تر» (P05) - تحمل ناپذیری نسبت به فقدان اطلاعات: «نمی تونم جواب به سوال رو ندونم» (P22) -جست وجوی لذت از آگاهی: «لذت داره وقتی به مطلب جذاب پیدا می کنم» (P14)	۱۴. مصرف گرایی اطلاعاتی تجاری	-جذب اطلاعات تبلیغاتی: «تبلیغات رو با حس خوب می بینم» (P01) - وابستگی به بررسی محصولات: «برای خرید یه خود کار، ۲ ساعت نظرات رو می خونم» (P10) - لذت از جست وجوی تجاری: «توی دیجی کالا می چرخم بدون اینکه چیزی بخوام بخرم» (P20) - وسواس برندمحوری: «همه اطلاعات به برند خاص رو دنبال می کنم» (P24) - اضطراب از دست دادن بازار: «می ترسم تخفیف خوب رو از دست بدم» (P07)
۷. اضطراب عقب ماندگی اطلاعاتی	-ترس از عقب ماندگی دانشی: «می ترسم از آخرین یافته های علمی جا بمونم» (P19) - جست وجوی افراطی محتواهای جدید: «همش دنبال آخرین مقاله ها هستم» (P21)- ناتوانی در تمرکز بر دانش پایدار: «دیگه نمی تونم کتاب بخونم» (P04) - وابستگی به لذت کسب اطلاعات جدید: «حس خوبی داره وقتی به مطلب جدید می خونم» (P16)-بی تابی در برابر داده های قدیمی تر: «اطلاعات قدیمی برام بی ارزش شده» (P08)	۱۵. تمایل افراطی به اطلاعات رایگان	-جست وجوی محتوای رایگان: «همش دنبال نسخه رایگان کتاب و مقاله هستم» (P12) - احساس بی نیازی به منابع پولی: «چرا پول بدم وقتی تو تلگرام همه چیز رایگانه» (P09) - انباشت اطلاعات رایگان: «هر چی رایگانه دانلود می کنم، بعد نمی خونمشون» (P15) - مقاومت به پرداخت برای دانش: «حتی ۱۰۰ هزار تومن برای یه کتاب پول بدم ناراحت می شم» (P03)-تحریک پذیری منفی به محتوای پولی: «هر چی پولی هست شاید کلاه برداره» (P18)

۸. اطلاع گرایي تفننی	- مصرف بی هدف اطلاعات: «ساعت ها توی اینستاگرام اسکرول می کنم» (P13) - استفاده از اطلاعات به عنوان گریز از خلأ: «وقتی حوصله سر می ره، می رم توی نت» (P23) - وابستگی به محتوای سرگرم کننده: «رلز و ویدیوهای کوتاه رو خیلی می بینم» (P02) - بی حوصلگی اطلاعاتی: «یه مطلب رو دو خط می خونم، می رم سراغ یکی دیگه» (P06) - نقص در فیلترگذاری اطلاعات: «هر چی می بینم می خونم، نمی تونم خوب رو از بد تشخیص بدم» (P17)
----------------------	--

- منطق تلفیق مدل ها

سه مدل کیفی استخراج شده در فازهای مختلف، هر یک بخشی از پازل کارکرد اطلاع گرایي مضاعف را مشخص می کنند. تلفیق این مدل ها با بهره گیری از رویکرد سیستمی انجام شد که امکان نگریستن به پدیده را به عنوان یک کل یکپارچه با اجزای به هم پیوسته فراهم می آورد (داورپناه، ۱۴۰۰). جدول ۶ بصورت مختصر هر مرحله را نشان می دهد.

جدول ۶. مدل یکپارچه نهایی اطلاع گرایي مضاعف: لایه ها، مؤلفه ها و زیرمؤلفه ها

مدل	تمرکز اصلی	سهم در مدل نهایی سیستمی	عنصر سیستمی مرتبط
مدل مبتنی بر اطلاعات ابهام زا (مرحله اول)	محرك های شناختی	شناسایی محرك های اولیه و فرآیندهای شناختی پایه ای در مواجهه با ابهام	ورودی های درونی سیستم و مؤلفه های رفتاری محرك
مدل اختلال اطلاعاتی (مرحله دوم)	عوامل محیطی و بسترهای اختلال زا	شناسایی عوامل زمینه ای و تشدید کننده محیطی و اختلال زا	ورودی های محیطی، محیط رفتاری سیستم و مؤلفه های زمینه ای
مدل تجربه زیسته (مرحله سوم)	پویایی های رفتاری و چرخه های بازخوردی	شناسایی چرخه های بازخوردی و پیامدها	پردازش گر مرکزی، مؤلفه های رفتاری پردازشی و خروجی های سیستم

بر اساس تلفیق و حذف مؤلفه های تکراری، مدل یکپارچه نهایی با ۳۴ مؤلفه اصلی و ۱۶۲

زیرمؤلفه در قالب عناصر سیستمی زیر سازماندهی گردید (جدول ۷)

جدول ۷. مؤلفه ها و زیر مؤلفه های مدل نهایی کارکرد اطلاع گرایي مضاعف

بخش	لایه /دسته	ردیف	مؤلفه اصلی	زیر مؤلفه	
بخش اول: لایه های سه گانه بر اساس چارچوب ورودی-پردازش-پایند	لایه ورودی	اول:	۱	آلودگی	اطلاعات نادرست/جعلی
				اطلاعاتی	شبه اطلاعات و شبه علم
					داده/اطلاعات نامربوط یا بی کیفیت
					سرریز اطلاعاتی (اینفودمیک)
					محتوای تکراری و افزونه
			۲	دستکاری رسانه ای	عملیات روانی / جنگ ترکیبی
					روایت سازی هدایت شده
					استفاده از فناوری های فریب (دیپ فیک)
					پلتفرم های الگوریتمی تشدیدکننده
			۳	محتوای اطلاعاتی برانگیزاننده	محتوای ترس آفرین و خشم برانگیز
					نفرت پراکنی و کلیشه سازی
					عنوان های کلیک خور و هیجانی
					قطبی سازی افراطی
			۴	اغتشاش پردازش اطلاعاتی	مرز مبهم عمدی واقعیت/نظر
					روایت های پیچیده و توطئه آمیز
		منابع غیر شفاف (ربات، ترول، حساب های جعلی)			
		تناقض های سریع در داده ها			
		۵	اختلال ساختاری اطلاعاتی	الگوریتم های شخصی سازی و حباب های فیلتری	
				طراحی اعتیادآور پلتفرم ها	
				فقدان حکمرانی و استانداردهای شفاف	
				سرعت غیرطبیعی انتشار	
	لایه دوم: اختلال پردازشی	مجموع لایه اول	۵ مؤلفه	۲۱ زیر مؤلفه	
۶				پیچیدگی پردازش و نارسایی در تفکر انتقادی	بار شناختی بیش از حد
		ناتوانی در تفکر سیستمی و درک روابط علی پیچیده			
		ضعف در استدلال استقرایی و قیاسی			
		نقص در شناسایی مغالطه های منطقی			
		ناتوانی در تعلیق قضاوت و تحمل ابهام			
		فقدان خود-اندیشی و نظارت بر تفکر			
		تفسیر گزینشی و جانبدارانه			
		قضاوت مبتنی بر قالب بندی			
		۷	آشفته گی تفسیری	نتیجه گیری شتاب زده	

اتکا به استعاره‌ها و تمثیل‌های گمراه‌کننده				
انباشت بدون هضم اطلاعاتی				
وابستگی تفسیر به زمینه‌های هیجانی زودگذر				
وابستگی دانشی به تایید مخاطبان	اختلال در هم	۸		
تبادل اطلاعات نمایش	کنش اجتماعی -			
الگوبرداری ناسالم دانشی	دانشی			
رقابت سطحی دانش				
ناتوانی در یکپارچه‌سازی اطلاعات جدید و قدیم	مدیریت ناپایدار دانش شخصی	۹		
فراموشی انتخابی				
وابستگی دانش به زمینه				
عدم وجود سلسله‌مراتب و اولویت‌بندی در دانش				
بازنویسی مداوم تاریخچه فکری				
ناتوانی در پالایش موثر	اختلال در	۱۰		
آشفته‌گی زمانی روند اطلاعات	مدیریت اطلاعات			
عدم تمرکز اطلاعاتی				
اختلال در ذخیره‌سازی و بازیابی				
اشباع زدگی کاربر در مواجهه ورود اطلاعات				
هم‌زمانی منابع متضاد				
ضعف سواد اطلاعاتی	ناتوانی در	۱۱		
ضعف سواد رسانه	پردازش و ارزیابی اطلاعات			
فلج تصمیم‌گیری	ناتوانی در	۱۲		
شتاب زدگی در تصمیم‌گیری	تصمیم‌گیری اطلاعات‌محور			
تاخیر مزمن در تصمیم‌گیری				
تصمیم‌گیری ظاهری				
ناپایداری در تصمیم‌گیری				
سوگیری تأییدی	سوگیری‌های	۱۳		
سوگیری در دسترس بودن	شناختی اطلاعاتی			
سوگیری منبع / اثر اعتبار هاله‌ای				
سوگیری لنگر اندازی ^۱				

^۱. (Anchoring Bias): نوعی سوگیری شناختی که طی آن ذهن در فرآیند تصمیم‌گیری به نخستین اطلاعات دریافتی (لنگر) تکیه کرده و قضاوت‌های بعدی را بر اساس آن تنظیم می‌کند، حتی اگر آن اطلاعات اولیه نامربوط یا تصادفی باشد. این پدیده نخستین بار توسط کانمن و تورسکی (۱۹۷۴) معرفی شد.

سوگیری بقا ^۱				
سوگیری خودخدمتی ^۲				
اعتماد کور به منابع مشهور/پرنفوذ	چالش های	۱۴		
ناتوانی در تمایز منابع علمی از غیر علمی	ارزیابی منابع			
سوگیری منبع محور				
تردید یا بی اعتمادی افراطی به همه منابع				
عدم تشخیص اهداف تجاری/تبلیغاتی منابع				
انباشت اطلاعات دسته بندی نشده	اختلال در	۱۵		
ناتوانی در اولویت بندی اطلاعات	سازماندهی			
اشباع اطلاعاتی زیست بوم اطلاعاتی شخصی	اطلاعات			
ناتوانی ایجاد ارتباط بین اطلاعات مختلف				
هدر رفت زمان در نتیجه مرتب سازی بی ثمر اطلاعات				
۵۰ زیر مؤلفه	۱۰ مؤلفه	مجموع لایه دوم		
بی اعتمادی پیش فرض	فرسایش اعتماد	۱۶	لایه سوم: پیامدها	
سوظن افراطی به منابع اطلاعات	اطلاعاتی			
قطبی سازی اعتماد				
قضایات نمایشی	در	۱۷		
نوسان شناختی در قضایات	قضایات اطلاعاتی			
قضایات مبتنی بر هیجان لحظه ای				
ازدحام اطلاعاتی	سرگردانی	۱۸		
بلا تکلیفی اطلاعاتی	اطلاعاتی			
خستگی تصمیم گیری اطلاعاتی				
عدم انسجام ذهنی اطلاعاتی				
فریب پذیری اطلاعاتی		۱۹		

^۱. (Survivorship Bias): نوعی سوگیری شناختی که در آن فرد صرفاً بر موارد موفق یا بازمانده از یک فرآیند تمرکز می کند و موارد ناموفق یا حذف شده را نادیده می گیرد. این خطای منطقی منجر به درک تحریف شده از واقعیت و نتیجه گیری های نادرست می شود، زیرا نمونه مورد بررسی نماینده کل جامعه نیست (همان).

^۲. (Self-Serving Bias): یکی از شناخته شده ترین سوگیری های شناختی در حوزه روانشناسی اجتماعی است که به تمایل نظام مند افراد برای اسناد موفقیت ها به عوامل درونی و شکست ها به عوامل بیرونی اشاره دارد (Forsyth, 2008).

ضعف در تحلیل منابع	ناتوانی در			
سوگیری براساس شباهتهای ظاهری اطلاعات	راستی آزمایی			
تسلیم در برابر فشار زمانی	اطلاعات			
۱۴ زیرمؤلفه	۴ مؤلفه	مجموع لایه سوم		
اضطراب دانستن	تمایل افراطی به	۲۰	دسته اول:	
تحمل ناپذیری ابهام	اطلاع یابی		مؤلفه های	
تمایل افراطی به جست و جو			محرك	
وسواس تایید و قطعیت				
اعتماد پایین به دانش پیشین				
رفتار انباشتی اطلاعات				
اضطراب ناکفایتی	کمال طلبی	۲۱		
تمایل افراطی به بهبود مستمر	مهارتی			
تمایل افراطی به یادگیری				
مقایسه اجتماعی مکرر				
فلج تحلیلی (اجتناب از عمل)				
ترس از قضاوت در یادگیری				
اضطراب دانایی ناکافی	خودفرسایشی	۲۲		
تمایل افراطی به انباشت کنترل گرانه	دانشی			
تمرکز افراطی بر جزئیات				
اجبار به جامع نگری				
بی اعتمادی به ساختار دانش پیشین				
تحلیل گرایی فلج کننده				
نیاز به واقعیت قطعی	تمایل افراطی به	۲۳		
حساسیت افراطی به خطا	صحت اطلاعات			
تمایل افراطی به راستی آزمایی				
مقاومت در برابر نسبی گرایی شناختی				
کمال گرایی در ارزیابی شناختی				
جست و جوی افراطی برای پاسخهای قطعی	اضطراب هویتی	۲۴		
درباره خود				
خودکاوی اطلاعاتی مکرر				
مقایسه افراطی خود با افراد معروف (یا انفلوئنسرها)				

احساس عدم انسجام هویتی				
نشخوار فکری خود تحلیل گرانه				
رضایت موقت پس از جست و جو	رضایت طلبی	۲۵		
تمایل افراطی به اطمینان خاطر یابی				
وابستگی به رضایت دانشی				
تحمل ناپذیری نسبت به فقدان اطلاعات				
جست و جوی لذت از آگاهی				
۳۳ زیرمؤلفه	۶ مؤلفه	مجموع دسته اول		
مصرف بی هدف اطلاعات	اطلاع گرایی	۲۶	دسته دوم:	مؤلفه‌های اختلال پوداژش
استفاده از اطلاعات به عنوان گریز از خلا درونی	تفننی			
وابستگی به مرور محتوای سرگرم کننده سبک				
بی حوصلگی اطلاعاتی				
نقص در فیلتر گذاری و گزینش ذهنی				
اجتناب از پیچیدگی اطلاعات	ساده سازی	۲۷		
تمایل افراطی به دریافت چکیده و خلاصه	اطلاعاتی			
رضایت از دانش سطحی				
وابستگی به قالبهای ساده اطلاعاتی				
گزینش اطلاعات براساس جذابیت ظاهری	جذابیت محوری	۲۸		
اجتناب از اطلاعات علمی یا محتوای تحلیلی	اطلاعات			
وابستگی به تحریک حسی اطلاعاتی				
کاهش آستانه تحمل برای پوداژش شناختی				
لذت گرایی اطلاعاتی				
۱۴ زیرمؤلفه	۳ مؤلفه	مجموع دسته دوم		
جستجوی متمرکز بر اطلاعات افراد نخبه و معروف	الگو برداری	۲۹	دسته سوم:	مؤلفه‌های زمینه‌ای
مقایسه ناسالم و خود اسب رسان با الگو	افراطی			
تقلید رفتاری بدون تحلیل و زمینه سازی				
شکل گیری هویت تقلیدی و ناپایدار				
وسواس در راستی آزمایی و دنبال کردن الگو				
نیاز به تعامل اجتماعی به بهانه اطلاعات	تعامل اطلاعاتی	۳۰		
جلب تایید و توجه از طریق ابراز اطلاع داشتن	افراطی			
استفاده ابزاری از فضاهای اطلاعاتی برای ابراز وجود				

پرسشگری نمایشی یا غیرواقعی			
افزایش کمی تعاملات بدون نیاز واقعی			
ترس از عقب ماندگی دانشی	اضطراب	۳۱	
جست و جوی افراطی محتواهای جدید و ترند	عقب‌ماندگی		
نا توانی در تمرکز بر دانش پایدار و بنیادین	اطلاعاتی		
وابستگی به کسب اطلاعات جدید			
بی تابی و تحمل ناپذیری در برابر داده‌های قدیمی تر			
جست و جوی افراطی روایت‌های غیر رسمی	تمایل افراطی به	۳۲	
بی اعتمادی به منابع رسمی اطلاعات	اطلاعات		
تحریک پذیری شناختی در برابر اطلاعات فیلتر شده یا ممنوع	غیررسمی		
لذت ادراکی از مرزهای دانشی			
اجبار به رمزگشایی و کشف اطلاعات ممنوع			
جذب افراطی توسط اطلاعات تبلیغاتی	مصرف‌گرایی	۳۳	
وابستگی به فرایند بررسی و مقایسه محصولات	اطلاعاتی-تجاری		
لذت از جست و جوی اطلاعات تجاری به مثابه سرگرمی			
وسواس برند محوری و تعلق اطلاعاتی			
اضطراب از عقب ماندن بازار و ترس از دست دادن			
جستجوی افراطی محتوای رایگان	تمایل افراطی به	۳۴	
احساس بی نیازی کاذب به منابع پولی	اطلاعات رایگان		
انباشت بی هدف و بی کیفیت اطلاعات رایگان			
مقاومت هیجانی-شناختی در برابر پرداخت برای دانش			
تحریک پذیری منفی نسبت به محتوای پولی			
۳۰ زیرمؤلفه	۶ مؤلفه	مجموع دسته سوم	
۷۸ زیرمؤلفه	۱۵ مؤلفه	مجموع مؤلفه‌های رفتاری	
۱۶۲ زیرمؤلفه	۳۴ مؤلفه	مجموع کل	

براساس جدول ۷ می‌توان مدل مفهومی کارکرد اطلاع‌گرایی مضاعف را ترسیم نمود. عناصر درون این مدل شامل لایه‌های سه گانه ورودی (محرك‌ها)، اختلال در پردازش، پیامدها و مؤلفه‌های رفتاری واسط هستند که

در تعامل با یکدیگر، چرخه اطلاع‌گرایی مضاعف را شکل می‌دهند. در خارج از این مرز، محیط تشدیدکننده شامل بسترهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار دارد که به عنوان زمینه‌ساز، شرایط را برای شکل‌گیری و تشدید پدیده فراهم می‌کنند.

5. بحث و نتیجه‌گیری

پیامد مستقیم انفجار اطلاعات و جریان پیوسته آن، دگرگونی عمیق در الگوهای مواجهه و رفتار اطلاعاتی افراد است. برای مقابله با حجم عظیم و سرعت بالای اطلاعات، افراد ناگزیر به اتخاذ راهبردهای شناختی و رفتاری انطباقی می‌شوند. در این دوران، دامنه‌ی آسیب‌شناسی‌های اطلاعاتی به طرز چشمگیری گسترش یافته است و الگوهای نابه‌سامان جدیدی پدید آمده‌اند. اضافه‌بار اطلاعاتی، سایبرکندریا، احتکار دیجیتال و همگی در زمره‌ی همین آسیب‌شناسی‌های اطلاعاتی نوظهور قرار می‌گیرند و تمامی این پدیده‌ها ریشه در اختلال در رابطه انسان و اطلاعات دارند (کندل^۱، ۲۰۲۰). وضعیتی که در آن، انسان معاصر نه صرفاً با اطلاعات زیاد، بلکه با درگیری دائمی، چندلایه و زیست‌جهانی با اطلاعات مواجه است. در پاسخ به این خلأ مفهومی، این پژوهش به‌صورت اکتشافی، مفهوم کارکرد «اطلاع‌گرایی مضاعف» را به‌عنوان یک سازه مفهومی باز^۲ و در حال تکوین مطرح می‌کند. این مفهوم نه به مثابه یک نظریه تثبیت‌شده، بلکه به‌عنوان مفهومی حساس‌ساز^۳ برای هدایت مرحله کیفی پژوهش و فهم عمیق تجربه زیسته کنشگران ارائه می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که «اطلاعات ابهام‌زا» به‌عنوان محرک بنیادین، نقش کلیدی در شکل‌گیری اطلاع‌گرایی مضاعف ایفا می‌کند. این یافته با دیدگاه حسن‌زاده (۱۳۹۹)، (۱۴۰۵) هم‌راستا است که اطلاع‌گرایی مضاعف را نتیجه فشار هم‌زمان ابهام و پایان‌ناپذیری اطلاعات، ناطمینانی‌های اجتماعی و محدودیت‌های شناختی انسان می‌داند. شواهد حاصل از مطالعات پیشین (سیمونویک و همکاران، ۲۰۲۰؛ گیوگن و همکاران، ۲۰۲۴؛ بارتوشک و همکاران، ۲۰۲۲؛ ونک و همکاران، ۲۰۱۶؛ بای و همکاران، ۲۰۲۵) نشان می‌دهد که مواجهه با اطلاعات ابهام‌زا، می‌تواند به

^۱ Kandel

^۲ سازه مفهومی باز به چارچوبی نظری اشاره دارد که در آن مفاهیم و روابط میان آن‌ها از پیش به‌صورت نهایی تثبیت نشده‌اند و پژوهشگر می‌تواند در طول فرایند تحقیق، بر اساس داده‌ها و تحلیل‌های نوظهور، آن‌ها را اصلاح، بسط یا بازتعریف کند؛ چنین سازه‌ای معمولاً در پژوهش‌های اکتشافی و کیفی به کار می‌رود (Creswell & plano, 2018).

^۳ sensitizing concepts مفهومی اکتشافی و غیرقطعی که به‌جای تعریف دقیق، جهت‌گیری تحلیلی اولیه فراهم می‌کند و پژوهشگر را نسبت به ابعاد بالقوه پدیده حساس می‌سازد (Blumer, 1954).

شکل‌گیری نوعی گرایش بیش‌فعال و وسواس گونه در جست و جوی اطلاعات منجر شود. از سویی دیگر، پژوهش‌ها در این راستا نشان می‌دهند که در شرایطی که اطلاعات مبهم، متناقض یا بیش از حد تخصصی هستند، افراد دچار نوعی تحریک اضطرابی ناشی از عدم قطعیت می‌شوند (بوهر و داگس^۱، ۲۰۰۲). اگر فرد باور داشته باشد که با کسب اطلاعات بیشتر می‌تواند این ابهام را کاهش دهد، وارد چرخه‌ای از اطلاع‌جویی وسواس گونه خواهد شد (اسوینی^۲ و همکاران، ۲۰۱۰). اگرچه اطلاعات ابهام‌زا به عنوان محرک بنیادین شناسایی شد، اما این سازه به تنهایی نمی‌توانست تداوم و تشدید چرخه اطلاع‌گرایی مضاعف را به طور کامل واکاوی کند (رحیمیان^۳ و حسن‌زاده، ۲۰۲۶). براساس آنچه در مبانی پژوهش بیان گردید، محیط اطلاعاتی معاصر، علاوه بر ابهام، آکنده از اطلاعات عمدتاً نادرست، گمراه‌کننده و مخرب (اختلال اطلاعاتی) است که پردازش شناختی را مختل کرده و پاسخ‌های انطباقی به ابهام را به سمت راهبردهای وسواس گونه و ناکارآمد سوق می‌دهد. همچنین کشف تجربه زیسته و ادراک ذهنی افرادی که به طور ملموس و مکرر در معرض این ابهام و اختلال اطلاعاتی قرار می‌گیرند کمک می‌کند که مفاهیم انتزاعی استخراج شده از متون و مقالات را در بافت واقعی زندگی و تصمیم‌گیری قرار دهند و سازوکارهای پویا، هیجانی و شناختی پدیده را کشف کنند. براین اساس ابهام فقط یک ویژگی ذاتی اطلاعات نیست، بلکه توسط باورهای قبلی، احساسات، تجربیات و چارچوب‌های شناختی افراد شکل می‌گیرد (المکتی^۴، ۲۰۲۵). بی‌نظمی اطلاعات باید از طریق تفسیر انسانی و زمینه اجتماعی درک شود (واردل و درخشان^۵، ۲۰۱۷). بنابراین، ادغام این سه مؤلفه؛ محرک‌های درونی (ابهام)، موانع محیطی (اختلال) و تجربه‌ی زیست‌شده‌ی افراد؛ امکان طراحی مدلی جامع‌تر را فراهم می‌آورد که هم‌زمان هر سه سطح را در نظر می‌گیرد. از تلفیق این سه مؤلفه، می‌توان یک الگوی علی-فرآیندی برای شکل‌گیری و تشدید کارکرد «اطلاع‌گرایی مضاعف» ترسیم نمود. تصویر زیر مدل مفهومی نهایی کارکرد اطلاع‌گرایی مضاعف را نشان می‌دهد (شکل ۱):

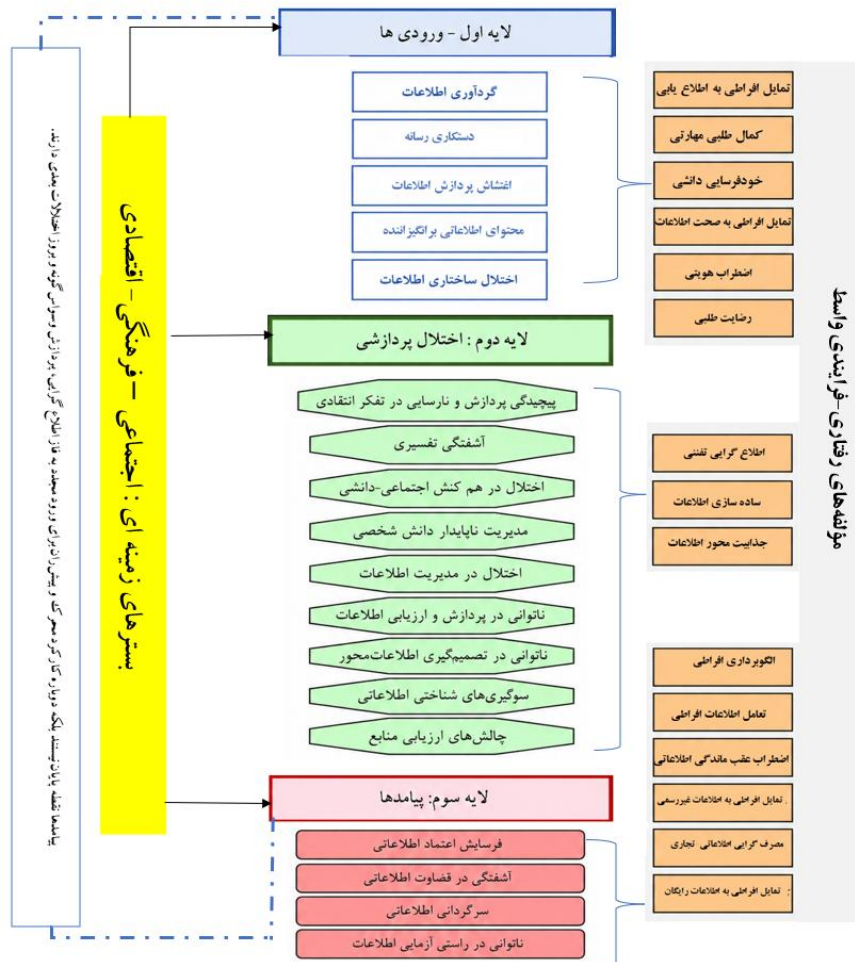
¹ Buhr&dugas

² Sweeny

³ Rahimian

⁴ Almakaty

⁵ Wardle & Derakhshan



شکل ۱. مدل مفهومی نهایی کارکرد اطلاع گرایی مضاعف

براساس شکل ۱، لایه اول ورودی شامل آلودگی اطلاعاتی، دستکاری رسانه‌ای، محتوای برانگیزاننده، اغتشاش پردازش و اختلال ساختاری اطلاعات است که ریشه‌های پدیده را نشان می‌دهند. لایه دوم اختلال در پردازش، معادل «پردازش گر مرکزی» در رویکرد سیستمی است و شامل نارسایی‌هایی چون پیشگیری پردازش، آشفته‌گی تفسیری، اختلال در هم‌کنش اجتماعی-دانشی، مدیریت ناپایدار دانش، ناتوانی در تصمیم‌گیری، سوگیری‌های شناختی، چالش‌های ارزیابی منابع و اختلال در مدیریت اطلاعات می‌باشد. لایه سوم پیامدها، شامل فرسایش اعتماد اطلاعاتی، آشفته‌گی قضاوت، سرگردانی اطلاعاتی و ناتوانی در راستی آزمایی است که می‌تواند دوباره وارد

لایه اول شده و محرک‌ها را تشدید می‌کنند. مؤلفه‌های رفتاری-واسط در سه دسته تنظیم شده‌اند: (۱) مؤلفه‌های محرک (۲) مؤلفه‌های اختلال پردازش رفتاری و (۳) مؤلفه‌های پیامدها. در این مدل اطلاع‌گرایی مضاعف وضعیتی ایستا نیست، بلکه فرآیندی پویا و خود-تقویت‌شونده است که پیامدهای منفی را در طول زمان بازتولید و تشدید می‌کند. این ویژگی توضیح می‌دهد که چرا راهکارهای ساده کاهش ورودی کافی نیستند و باید بر مدیریت پردازش مرکزی و شکستن حلقه بازخورد تمرکز کرد. همچنین مواجهه با اطلاعات ابهام‌زا و اختلال اطلاعاتی دو روی این چرخه معیوب هستند. کاربران در مواجهه با محتوای مبهم یا دستکاری‌شده، دچار عدم تحمل ابهام و اضطراب دانستن می‌شوند و گزارش می‌دهند که هرچه بیشتر جستجو می‌کنند، کمتر مطمئن می‌شوند. این فشار درونی، آن‌ها را به راهبردهای جبرانی ناکارآمدی چون جستجوی افراطی، ساده‌سازی اطلاعاتی و سوگیری تأییدی سوق می‌دهد. در سطح اختلال اطلاعاتی، این چرخه با دخالت فرستندگان هدفمند (جنگ ترکیبی، دیپ‌فیک، ربات‌ها) و الگوریتم‌های شخصی‌ساز تشدید می‌شود (رحیمیان، ۱۴۰۵). در نهایت، کاربران ممکن است حس غرق شدن در مواجهه مداوم با اطلاعات غلط و جریان‌های اطلاعاتی بیش از حد را تجربه کنند. این وضعیت می‌تواند بار شناختی ایجاد کند و ارزیابی ادعاهای متضاد و رسیدن به تصمیمات آگاهانه را به طور فزاینده‌ای دشوار سازد. با گذشت زمان، چنین تجربیاتی ممکن است به فلج تصمیم‌گیری، کاهش اعتماد به منابع اطلاعاتی، و حالتی از سردرگمی اطلاعاتی کمک کند که در آن تلاش برای یافتن وضوح ممکن است به طور متناقضی افراد را در معرض عدم قطعیت بیشتری قرار دهد (تاندک و کیم^۱، ۲۰۲۳). در نهایت، اطلاع‌گرایی مضاعف نه یک واکنش خطی به حجم اطلاعات، بلکه پدیده‌ای پویا و خودتشدیدگر است که در تعامل میان آسیب‌پذیری شناختی-هیجانی فرد و مهندسی عمدی محیط اطلاعاتی شکل می‌گیرد. با گسترش هوش مصنوعی مولد، الگوریتم‌های قطبی‌ساز و اینفودمیک، این پدیده به یکی از اصلی‌ترین اختلالات شناختی-رفتاری عصر دیجیتال تبدیل خواهد شد و مدیریت آن نیازمند بازطراحی بنیادین محیط‌های اطلاعاتی است. در راستای نتایج پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. توسعه و اعتبارسنجی مدل کارکرد اطلاع‌گرایی مضاعف با شناسایی مولفه‌های پنهان و آزمون روابط ساختاری آن

¹ Tandoc & Kim

۲. طراحی و اعتباریابی ابزار سنجش اطلاع‌گرایی مضاعف مبتنی بر

مدل کارکردی ارائه شده

۳. بررسی نقش سرمایه فرهنگی و طبقات اجتماعی در شکل‌گیری اطلاع‌گرایی مضاعف

۴. طراحی و اجرای برنامه‌های مداخله‌ای مبتنی بر مدل ارائه‌شده (مانند آموزش سواد اطلاعاتی، مدیریت شناختی و کاهش اضطراب اطلاعاتی)

۵. تحلیل اطلاع‌گرایی مضاعف به عنوان یک رفتار همگانی و فرهنگ جمعی

۶. بررسی تاثیر تحولات ساختاری رسانه بر اطلاع‌گرایی مضاعف (بررسی اینکه چگونه تغییرات کلان در نظام رسانه‌ای گذار از رسانه سنتی به دیجیتال می‌تواند زمینه‌ساز این پدیده باشد؟)

۷. رابطه بین شدت بحران‌های اجتماعی-اقتصادی و الگوهای اطلاع‌گرایی مضاعف: نقش میانجی اضطراب عدم قطعیت

۸. واکنش‌های عصبی-فیزیولوژیک مغز در مواجهه با محرک‌های اطلاعاتی در شرایط شبیه‌سازی شده بحران و رابطه آن با اطلاع‌گرایی مضاعف

۹. واکاوی تجربه زیسته کاربران از گذار از تمایل افراطی به جستجو به مدیریت هوشمند دانش پس از شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط با اطلاع‌گرایی مضاعف

فهرست منابع

- حسن‌زاده، محمد. (۱۳۹۹). اطلاع‌گرایی مضاعف: چالش تبدیل رکود به رونق. علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۲۰(۶).
- حسن‌زاده، محمد. (۱۴۰۵). اطلاع‌گرایی مضاعف: مثلث اختلال در عصر دانایی، علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۱۲(۱).
- داورپناه، محمدرضا. (۱۴۰۰). سبیرتیک: نظریه عمومی کنترل مکانیسم‌ها در سیستم‌های مکانیکی و ارگانیکی. تهران: دبیرش.
- دو سوسور، فردینان. (۱۴۰۰). دوره زبان‌شناسی عمومی (احمد سمیعی، مترجم). تهران: نشر نی. (اثر اصلی ۱۹۱۶ منتشر شد)
- دهخدا، علی‌اکبر. (بی‌تا). مضاعف. در لغت‌نامه دهخدا. واژه‌یاب <https://vajehyab.com/dehkhoda/>مضاعف.
- رحیمیان، س. (۱۴۰۵). طراحی مدل کارکرد اطلاع‌گرایی مضاعف از منظر اطلاع‌شناختی و عصب روانشناختی [رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس]

غنچه‌مقدم، قاسم؛ و چراغ بیرجندی، کاظم. (۱۴۰۴). نقش اضافه بار اطلاعات و اضافه بار اجتماعی بر قصد تغییر رسانه‌های اجتماعی با میانجی‌گری خستگی اجتماعی در ورزشکاران آمادگی جسمانی کشور. *نشریه مدیریت و رفتار سازمانی در ورزش*، ۱۴(۲).

فریددانش، مرجان؛ و محمدرضایی، علی. (۱۴۰۴). پیشایندها و پیامدهای روان‌شناختی اعتیاد به اینترنت. *روانشناسی*، ۲۹(۱).

لستر، جون؛ و کوهلر، والس (۱۳۸۹). مبانی مطالعات اطلاع‌رسانی: درک اطلاعات و محیط آن. مترجم: محمد نوکاریزی. تهران: چاپار.

Adzimah, M. S. A. (2025). Exploring the Adverse Effects of Digital Overload on the Mental Health of Youth: An Integrative Review. *Pan-African Journal of Health and Psychological Sciences*, 1(2).

<https://pajhps.org/index.php/pajhps/article/view/26/26>

Almakaty, S. (2025). The Maze of Misunderstanding: A Qualitative Study on Sociopolitical Implications of Ambiguous Media in the Digital Age. Preprints. <https://doi.org/10.20944/preprints202511.0673.v1>

Anand, A., Sharma, U., & Kumar, D. (2019). Information retrieval in computing model. *2019 International Conference on Intelligent Computing and Control Systems (ICCS)*, 1364-1369. <https://doi.org/10.1109/iccs45141.2019.9065562>

Armstrong, D., Gosling, A., Weinman, J., & Marteau, T. (1997). The place of inter-rater reliability in qualitative research: An empirical study. *Sociology*, 31(3), 597-606.

Arnold, M., Goldschmitt, M., & Rigotti, T. (2023). Dealing with information overload: A comprehensive review. *Frontiers in Psychology*, 14. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1122200>

Bai, X., Lian, S., Sun, X., et al. (2025). The relationship between information hoarding and selective exposure: The role of information overload, identity bubble reinforcement, and intolerance of uncertainty. *BMC Psychology*, 13, 736.

<https://doi.org/10.1186/s40359-025-03062-8>

Barifah, M., & Landoni, M. (2019). Interactive search profiles as a design tool. In M. Kurosu (Ed.), *Human-Computer Interaction. Perspectives on Design: Thematic Area, HCI 2019, Held as Part of the 21st HCI International Conference, HCII 2019, Orlando, FL, USA, July 26–31, 2019, Proceedings, Part I* (Vol. 11566, pp. 18–30). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-22646-6_2

Bartoszek, G., Ranney, R. M., Curanovic, I., Costello, S. J., & Behar, E. (2022). Intolerance of uncertainty and information-seeking behavior: Experimental manipulation of threat relevance. *Behaviour Research and Therapy*, 154, 1–11. <https://doi.org/10.1016/j.brat.2022.104125>

Bawden, D., & Robinson, L. (2012). Introduction to information science. Facet Publishing.

Belabbes, M. A., Ruthven, I., Moshfeghi, Y., & Rasmussen Pennington, D. (2022). Information overload: A concept analysis. *Journal of Documentation*, 79(1), 144-159. <https://doi.org/10.1108/jd-06-2021-0118>

Blumer, H. (1954). What is wrong with social theory? *American Sociological Review*, 19(1), 3–10.

Bruce, C., Davis, K., Hughes, H., Partridge, H., & Stoodley, I. (2014). Information experience: Approaches to theory and practice. *Library & Information Science Research*, 36(1), 4–12. <https://doi.org/10.1016/j.lisr.2013.09.001>

Buchanan, T. (2020). Why do people spread false information online? The effects of message and viewer characteristics on self-reported likelihood of sharing social media disinformation. *PLOS ONE*, 15(10), e0239666. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0239666>

- Buhr, K., & Dugas, M. J. (2002). The Intolerance of Uncertainty Scale: Psychometric properties of the English version. *Behaviour Research and Therapy*, 40, 931–945. [https://doi.org/10.1016/S0005-7967\(01\)00092-4](https://doi.org/10.1016/S0005-7967(01)00092-4)
- Chowdhury, S., Gibb, F., & Landoni, M. (2014). A model of uncertainty and its relation to information seeking and retrieval (IS&R). *Journal of Documentation*, 70(4), 575–604. <https://doi.org/10.1108/jd-05-2013-0060>
- Creswell, J. W., & Plano Clark, V. L. (2018). Designing and conducting mixed methods research (3rd ed.). SAGE Publications.
- Dervin, B. (1999). On studying information seeking methodology: The implications of connecting metatheory to method. *Information Processing & Management*, 35(6), 727–750. [https://doi.org/10.1016/S0306-4573\(99\)00025-8](https://doi.org/10.1016/S0306-4573(99)00025-8)
- Dorussen, H., Lenz, H., & Blavoukos, S. (2005). Assessing the reliability and validity of expert interviews. *European Union Politics*, 6(3), 315–337. <https://doi.org/10.1177/14651165050548>
- Duc, T. Q., Chi, V. T., Huyen, N. T., Quang, P. N., Thuy, B. T., & Nguyen Di, K. (2024). Growing propensity of internet addiction among Asian college students: Meta-analysis of pooled prevalence from 39 studies with over 50,000 participants. *Public Health*, 227, 250–258. <https://doi.org/10.1016/j.puhe.2023.11.040>
- Floridi, L. (2014). The fourth revolution: How the infosphere is reshaping human reality. Oxford University Press.
- Forsyth, D. R. (2008). Self-serving bias. In *Encyclopedia of Social Psychology* (Vol. 2, pp. 812–814). SAGE Publications.
- Friston, K. (1994). A theory of cortical responses. *Philosophical Transactions of the Royal Society of London. Series B: Biological Sciences*, 349(1324), 115–136.
- Graf, B., & Antoni, H. (2022). Drowning in the flood of information: A meta-analysis on the relation between information overload, behaviour, experience, and health and moderating factors. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 32(2), 173–198. <https://doi.org/10.1080/1359432x.2022.2118051>
- Guigon, V., Villeval, M. C., & Dreher, J. C. (2024). Metacognition biases information seeking in assessing ambiguous news. *Communications Psychology*, 2(1), 122. <https://doi.org/10.1038/s44271-024-00170-w>
- Hassanzadeh, M. (2026). Extra-Informationalism: The Triangle of Disorder in the Age of Knowledge. *Sciences and Techniques of Information Management*, 12(1), 139–150. <https://doi.org/10.22091/stim.2026.4592>
- Heidegger, M. (1998). *Being and time* (J. Macquarrie & E. Robinson, Trans.). HarperCollins. (Original work published 1927)
- IDC. (2025). Forecasted global data volume from 2025 to 2028. Statista. Retrieved September 7, 2026, from <https://www.statista.com/>
- Kalkavan, E. B., Özcan, A., Çelen, B., & Acar, H. N. (2026). Examination of Health Literacy, Cyberchondria Severity, and Related Factors Among University Students. *Hemşirelik Bilimi Dergisi*, 9(1), 81–95.
- Kandel, N. (2020). Information disorder syndrome and its management. *Journal of Nepal Medical Association*, 58(224). <https://doi.org/10.31729/jnma.4968>
- Kashlot, S. M., Ruthven, I., & Moshfeghi, Y. (2025). Strategies for managing information overload: A systematic review. *Journal of Documentation*, 82(2), 249–265. <https://doi.org/10.1108/jd-09-2025-0257>
- Kahneman, D., & Tversky, A. (1974). Judgment under uncertainty: Heuristics and biases. *Science*, 185(4157), 1124–1131. <https://doi.org/10.1017/cbo9780511809477.002>
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage Publications.
- Liu, Y., & Liu, Y. (2025). Hoarding knowledge or hoarding stress? Investigating the link between digital hoarding and cognitive failures among Chinese college students. *Frontiers in Psychology*, 15, 1518860. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2024.1518860>

- Loosen, A. M., Skvortsova, V., & Hauser, T. U. (2021). Obsessive-compulsive symptoms and information seeking during the Covid-19 pandemic. *Translational Psychiatry*, 11, 309. <https://doi.org/10.1038/s41398-021-01410-x>
- Mark, G., Iqbal, S. T., Czerwinski, M., Johns, P., & Sano, A. (2018). Neurotics can't focus: An in situ study of online multitasking in the workplace. *Proceedings of the SIGCHI Conference on Human Factors in Computing Systems*, 1–12. <https://www.media.mit.edu/publications/neurotics-cant-focus-an-in-situ-study-of-online-multitasking-in-the-workplace/>
- Misra, S., & Stokols, D. (2012). Psychological and health outcomes of perceived information overload. *Environment and Behavior*, 44(6), 737–759. <https://doi.org/10.1177/0013916511404408>
- Mosbah, M. (2023). Query refinement into information retrieval systems. *Journal of information and organizational sciences*, 47(1), 133–151. <https://doi.org/10.31341/jios.47.1.7>
- Nye, E. (2016). Origins, methods and advances in qualitative meta-synthesis. *Review of Education*, 4(1), <https://doi.org/10.1002/rev3.3065>
- Oulasvirta, A., Rattenbury, T., Ma, L., & Raita, E. (2012). Habits make smartphone use more pervasive. *Personal and Ubiquitous Computing*, 16, 105–114. <https://doi.org/10.1007/s00779-011-0412-2>
- Polit, D. F., Beck, C. T., & Owen, S. V. (2007). Is the CVI an acceptable indicator of content validity? Appraisal and recommendations. *Research in Nursing & Health*, 30*(4), 459–467. <https://doi.org/10.1002/nur.20199>
- Pushkarskaya, H., Stern, E., Tolin, D. F., & Pittenger, C. (2020). Excessive acquisition of information during simple judgments in individuals with hoarding disorder. *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 24, 100505. <https://doi.org/10.1016/j.jocrd.2020.100505>
- Raber, D., Budd, J. M. (2003). Information as sign: Semiotics and information science. *Journal of Documentation*, 59, 507–522. <https://doi.org/10.1108/00220410310499564>
- Rahimian, S., Hasanzadeh, M. (2026). Extraction and analysis of information disorder components in the formation of Extra-informationalism. *International Journal of Knowledge Processing Studies*, 6(1), 50–64. doi: 10.22034/kps.2026.569161.1266
- Roetzel, P. G. (2018). Information overload in the Information Age: A review of the literature from business administration, business psychology, and related disciplines with a bibliometric approach and framework development. *Business Research*, 12(2), 479–522. <https://doi.org/10.1007/s40685-018-0069-z>
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*. Springer Publishing Company.
- Savolainen, R. (2007). Approaching the social dimension of information seeking: The case of everyday life information seeking. *Library & Information Science Research*, 29(2), 163–187. <https://doi.org/10.1016/j.lisr.2007.01.002>
- Simonovic, N., Taber, J. M., Klein, W. M. P., & Ferrer, R. A. (2020). Evidence that perceptions of and tolerance for medical ambiguity are distinct constructs: An analysis of nationally representative US data. *Health Expectations*, 23(3), 603–613. <https://doi.org/10.1111/hex.13037>
- Shahrzadi, L., Mansouri, A., Alavi, M., & Shabani, A. (2024). Causes, consequences, and strategies to deal with information overload: A scoping review. *International Journal of Information Management Data Insights*, 4(2), 100261. <https://doi.org/10.1016/j.jjime.2024.100261>
- Spektor, M. S., & Wulff, D. U. (2023). Pre-decisional information search adaptively reduces three types of uncertainty. <https://doi.org/10.31234/osf.io/7ru58>

- Sweeny, K., Melnyk, D., Miller, W., & Shepperd, J. A. (2010). Information avoidance: Who, what, when, and why. *Review of General Psychology*, 14(4), 340–353. <https://doi.org/10.1037/a0021288>
- Rahimian, S and Hasanzadeh, M. (2026). Extraction and analysis of information disorder components in the formation of Extra-informationalism. *International Journal of Knowledge Processing Studies*, 6(1), 50-64. doi: 10.22034/kps.2026.569161.1266
- Sandelowski M.(1995). Sample size in qualitative research. *Res Nurs Health* (2):179-83. doi: [10.1002/nur.4770180211](https://doi.org/10.1002/nur.4770180211)
- Taky-eddine, O., Madaoui, R. (2024). Cognitive overload in the hypertext reading environment. *International Journal of English Language Studies*, 6(2), 94-100. <https://doi.org/10.32996/ijels.2024.6.2.13>
- Tandoc EC Jr, Kim HK.(2023). Avoiding real news, believing in fake news? Investigating pathways from information overload to misbelief. *Journalism (Lond)*,24(6):1174-1192. doi: 10.1177/14648849221090744. Epub 2022 May 16. PMID: 38603202; PMCID: PMC9111942.
- Thellefsen, M. M. T. T. (2018). Information as signs: A semiotic analysis of the information concept, determining its ontological and epistemological foundations. *Journal of Documentation*, 74(2), 234–251. <https://doi.org/10.1108/jd-05-2017-0078>
- Torre, L. (2025). Navigating through the information disorder by fostering critical Literacies. *Critical Literacies and Gender Studies*, 81-97. <https://doi.org/10.1108/978-1-83662-594-020251007>
- Wardle, C., & Derakhshan, H. (2017). *Information Disorder: Toward an interdisciplinary framework for research and policy making*. Council of Europe
- Wilmer, H. H., Sherman, L. E., & Chein, J. M. (2017). Smartphones and cognition: A review of research exploring the links between mobile technology habits and cognitive functioning. *Frontiers in Psychology*, 8, 605. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2017.00605>
- Wilson, T. D. (1999). Models in information behaviour research. *Journal of Documentation*, 55(3), 249-270. <https://doi.org/10.1108/EUM00000000007145>
- Wittek, P., Liu, Y.-H., Darányi, S., Gedeon, T., & Lim, I. S. (2016). Risk and ambiguity in information seeking: Eye gaze patterns reveal contextual behavior in dealing with uncertainty. *Frontiers in Psychology*, 7, 1790. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2016.01790>

Designing functionality model of Extra-informationalism: Excessive Information Seeking in the Digital Age

Samaneh Rahimian

PhD in information and knowledge management, the Faculty of Management and Economics Tarbiat modares; Tehran. Iran.

Email: s_rahimian@modares.ac.ir

***Mohammad Hasanzadeh**

Professor at the Faculty of Management and Economics

Department of Information and Knowledge Science, Tarbiat modares; Tehran. Iran.

Email: hasanzadeh@modares.ac.ir

abstract

Introduction: Extra informationalism refers to a condition in which individuals engage obsessively and excessively in continuous information seeking, even when the available information is insufficient, ambiguous, or potentially harmful. The present study aimed to develop a functional model of extra informationalism and to identify and explain its underlying dimensions and components.

Methodology: This qualitative study employed a sequential exploratory approach and was conducted in three independent stages. In the first stage, a systematic meta-synthesis of 50 foundational theories related to “ambiguous information” was conducted using the PRISMA guidelines and combined coding in MAXQDA. In the second stage, a targeted systematic review of 65 scientific articles on “information disorder” published between 2021 and 2025 was conducted based on the Sender–Message–Channel–Receiver framework. In the third stage, in-depth semi-structured interviews were conducted with 24 graduate students selected through purposive and snowball sampling until theoretical saturation was reached. The interview data were analyzed using thematic analysis in MAXQDA. Finally, the findings from the three stages were integrated using a systems approach.

Main Findings: The integration of findings from the three stages resulted in the identification of 34 main components and 162 subcomponents, which were organized into six systemic elements: **system inputs, triggering behavioral components, processing behavioral components, contextual behavioral components, the central processor, and system outputs**. The findings indicated that extra informationalism is a multidimensional phenomenon shaped by the interaction of informational, behavioral, processing, and contextual factors and manifested through specific patterns of information seeking and consumption.

Discussion and Conclusion: The final model provides an integrated qualitative framework for explaining the functioning of extra informationalism by incorporating both theoretical foundations related to

ambiguous information and information disorder and users' lived experiences. Organizing the identified components into systemic elements facilitates an understanding of the formation, processing, and consequences of extra informationalism and can provide a basis for future research and the development of interventions aimed at managing excessive information-seeking behavior.

Keywords: Extra-informationalism- information behavior- Information Ambiguity- Information Disorder- Lived Information Experience

سمانه رحیمیان دانش آموخته دکتری مدیریت اطلاعات و دانش از دانشگاه تربیت مدرس می باشد. مدیریت دانش و اطلاعات، تعامل انسان و اطلاعات، سلامت اطلاعات، اختلالات اطلاعاتی، هستی شناسی ها از جمله علایق پژوهشی وی است.



محمد حسن زاده دارای مدرک تحصیلی دکتری در رشته علم اطلاعات و دانش شناسی از دانشگاه فردوسی مشهد است. ایشان هم اکنون استاد دانشگاه تربیت مدرس و رئیس پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران است. مدیریت دانش، نظام های دانش محور، علم سنجی و ارزیابی علم و فناوری از جمله علایق پژوهشی وی است.

